

یادداشت سیاسی

— مهدی سامع
طی دوران حیات رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیهه، هیچ گاه مسأله «امنیت» به اندازه ای که در شرایط کنونی برای سران رژیم به یک مسأله حاد تبدیل شده، وجود نداشته است. طی چند سال اخیر در مهمترین صحبتهای ولی فقیه و دیگر سران و کارگزاران حکومت بارها مسأله «امنیت نظام» مورد تاکید قرار گرفته و در این رابطه صدها کنفرانس، اجلاس، مانور نظامی و ... برگزار شده است. خامنه ای بارها به صراحت به مسأله تهدیدهایی که امنیت ولایتش را تهدید می کند تاکید کرده است. هم خامنه ای و هم دیگر سرکردگان رژیم منجمه رفسنجانی و خاتمی به خوبی می دانند که امنیت رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه در اساس با امنیت ملی مردم و کشور ایران تضاد ماهوی و بنیادی دارد. در حقیقت امنیت رژیم وقتی به خوبی تامین می شود که منافع و امنیت ملی اکثریت قاطع مردم ایران پایمال شود. علاوه بر این ولایت خامنه ای با چالشی دیگر در این زمینه نیز روبروست. جدلهای درون هیأت حاکمه مسأله ایست که امنیت رژیم را به خطر انداخته و ازو این جهت سرکردگان رژیم برای مقابله با آن خطر اصلی که امنیت ولایت فقیه را تهدید می کند به فکر راه و چاره هستند. بقیه در صفحه ۲

اجلاس شورای عالی سازمان برگزار شد

شورای عالی سازمان گزارش سیاسی سخنگوی سازمان را تصویب نمود. شورای عالی سازمان کمیته مرکزی سازمان را انتخاب کرد. اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران طی روزهای ۱۱ الی ۱۳ آبان ۱۳۸۰ (برابر با ۲ الی ۴ نوامبر ۲۰۰۱) برگزار شد. در ابتدای اجلاس، در گرامیداشت خاطره شهدای جنبش پیکار فدایی و به یاد همه ی شهدای راه آزادی مردم ایران یک دقیقه سکوت اعلام شد. سپس با انتخاب یک رئیس و یک معاون اجلاس کار خود را آغاز کرد و دستور جلسه که از طرف دبیرخانه سازمان پیشنهاد شده بود، مورد بحث قرار گرفت و به تصویب رسید. پس از آن سخنگوی سازمان گزارش سیاسی را به اجلاس ارائه داد. پیرامون این گزارش که در همین شماره در نبرد خلق به چاپ رسیده بحثهای مفصلی از طرف شرکت کنندگان در اجلاس صورت گرفت و سرانجام با حذف بعضی از بخشهای آن و تصحیح و تکمیل بخشهایی از آن به تصویب شرکت کنندگان در اجلاس رسید. سپس بحث پیرامون روابط بین المللی سازمان شروع شد. مسئول روابط بین المللی سازمان در ابتدا به تشریح دیدگاه خود و اصولی که باید در مناسبات بین المللی سازمان مورد توجه قرار گیرد پرداخت (متن کامل سخنان این رفیق در شماره آینده نبرد خلق به چاپ خواهد رسید). پس از آن مسئول روابط بین المللی به ارائه تزهایی اصول حاکم بر روابط بین الملل سازمان پرداخت. شرکت کنندگان در اجلاس به بحث و بررسی پیرامون این تزها پرداختند و هر

ماده را جداگانه مورد تصویب قرار دادند (متن کامل این تزها در همین شماره نبرد خلق چاپ شده است). اجلاس شورای عالی سازمان سپس به بحث و بررسی سیاستهای تشکیلاتی و عملکرد بخشهای مختلف سازمان پرداخت. در ابتدا پیشنهاد مسئول دبیرخانه سازمان برای تکمیل و اصلاح بعضی از مواد اساسنامه سازمان به بحث گذاشته شد که این مواد با تغییرات و اصلاحاتی به تصویب رسید. سپس اجلاس شورای عالی سازمان تصمیماتی مبنی بر تقویت بخش خنک خیر و نیز بخش روابط بین المللی اتخاذ نمود. پس از بحثهای تشکیلاتی، اجلاس شورای عالی سازمان به بحث و بررسی پیرامون انتخاب کمیته مرکزی پرداخت. بر اساس یکی از مواد اساسنامه سازمان، کسانی می توانند برای عضویت در کمیته مرکزی سازمان کاندیدا شوند که ۵ سال کار تشکیلاتی تمتد در یکی از بخشهای سازمان داشته باشند. بر این اساس اجلاس شورای عالی سازمان با رای مخفی به انتخاب اعضای کمیته مرکزی پرداخت. اجلاس شورای عالی سازمان با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد. بلافاصله پس از پایان کار اجلاس شورای سازمان، کمیته مرکزی منتخب شورای عالی در نشست خود به انتخاب مسئولان بخشهای مختلف سازمان پرداخت و یک بار دیگر رفیق مهدی سامع را به عنوان سخنگوی سازمان در مسئولیت خود ابقا نمود. آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران طی پیامی برگزاری موفقیت آمیز

جنگ و افغانستان

صفحه ۱۸

پیام تسلیت

درگذشت آقای حمدالله حنیف نژاد، پدر بنیانگذار سازمان مجاهدین خلق ایران، مجاهد شهید محمد حنیف نژاد را به سازمان مجاهدین خلق ایران، به خانواده حنیف نژاد و به آقای احمد حنیف نژاد تسلیت می گوئیم.

تفسیر خبری هفته
صفحه ۲

تظاهرات ایرانیان مقیم آمریکا علیه حضور خاتمی در مقر ملل متحد
صفحه ۲۰

یادداشت و گزارش
صفحه ۱۳

محیط زیست
اندیشه ها و چشم اندازها
صفحه ۱۴

طرح نوسازی صنایع و گورستان طرحهای نیمه تمام
صفحه ۱۵

ایران نبرد

به زبان انگلیسی
منتشر شد

شماره اول ایران نبرد به زبان انگلیسی که در برگزیده مواضع سازمان پیرامون رویداد ۱۱ سپتامبر و جنگ افغانستان است، منتشر شد.

بادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱
 همایش «رقابت‌های سیاسی و امنیت ملی» که در آن تمامی سرکردگان رژیم و عناصر اصلی باندهای تشکیل دهنده نظام ولایت فقیه شرکت کرده بودند، یکی از مهمترین اقدامات برای تامین امنیت رژیم بود. ایرنا خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی در روز دوم این بیانیه نهایی این گردهمایی را به چاپ رساند.
 در این بیانیه که در ۶ ماده تنظیم شده نکاتی وجود دارد که نشان می‌دهد سران رژیم نگران شدت و حدت یبی تضادهای درون نظام هستند. هدف این گردهمایی این بوده که راهکارهای جلوگیری از تشدید این تضاد را پیدا کرده و از این طریق هم مشروعیت رژیم استبدادی حاکم را بازسازی کنند و هم با قانونمند کردن تضادهای درونی نظام برای رژیم «فرصت بقاء» ایجاد کنند. اما خود تهیه کنندگان این بیانیه که به قول خودشان حدود یکسال پیرامون تنظیم بندبند آن تلاش کرده‌اند، می‌دانند که جدالهای درون رژیم استبدادی - مذهبی حاکم بر ایران نتیجه یک جدال اساسی‌تر است. در حقیقت تشدید روزافزون تضاد اساسی و ماهوی بین امنیت و منافع رژیم با امنیت و منافع مردم به ناچار به تشدید هر چه بیشتر تضادهای درون نظام منجر خواهد شد. از این رو تلاش سرکردگان رژیم برای این که از این جدالها به مثابه یک «فرصت» برای بقای رژیم استفاده کنند و یا این جدالها را قانونمند کنند از دو سوی تضاد اصلی، یعنی هم از سوی سهاد ولایت و هم از سوی مردم که در یک جدال دائمی هستند با چالش روبرو می‌شود.
 در ابتدای ماده اول این بیانیه نوشته شده «مشارکت و رقابت سیاسی بنا بر ماهیت هر نظام و فرهنگ سیاسی، می‌تواند تهدید یا فرصت امنیت ملی تلقی شود» و در ابتدای ماده دوم نوشته شده که «در نظام جمهوری اسلامی تعارضی میان تکثر و رقابت و امنیت وجود ندارد» اما بلافاصله پس از این جمله در ماده دوم نوشته شده «با پذیرش اصل ولایت فقیه و مسئولیت

رهبری در تعیین سیاستهای کلان نظام، وجود رقابت میان کربانهای مختلف در اداره کشور، زمیته مشارکت همگانی و کوشش نخبگان را برای موفقیت در کسب رضایت عمومی فراهم می‌کند». با این توضیح به خوبی معلوم می‌شود که ولی فقیه در نظام جمهوری اسلامی تعیین کننده سیاستهای کلان است و نه مردم و نیروهای سیاسی و نهادهای دموکراتیک انتخابی که اراده مردم را منعکس کنند و هم چنین معلوم می‌شود که تلقی سرکردگان رژیم از مشارکت، کوشش «نخبگان» احتمالاً منظور از مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصدحت نظام است. برای اجرای سیاستهای کلان و تامین «رضایت عمومی» او نه مشارکت مردمی است. همین چند جمله از بیانیه نشان می‌دهد که امنیت ولایت فقیه در تعارض با «مشارکت عمومی» که یکی از مهمترین عوامل تامین امنیت ملی مردم ایران است قرار دارد. بنابراین وقتی تدوین کنندگان بیانیه در ماده چهارم از قانون اساسی به مثابه یک «میشاق ملی» و «سند تاریخی» در «شکل‌بندی روابط و مناسبات سیاسی و حل و فصل اختلافات» یاد می‌کنند و یا در ماده ۵ از «قانونمند کردن رقابت‌های سیاسی و گسترش فرهنگ قانونگرایی» حرف می‌زنند، خودشان هم می‌دانند که با وجود نیرویی مافوق قانون که تنظیم کننده سیاستهای کلان است و این نیرو نهادها و اهرمهای اصلی قدرت را در دست دارد، صحبت از «مشارکت» و «قانونمند کردن» این مشارکت، حرف پوچی خواهد بود. این حرف بیانیه که مشارکت می‌تواند هم «تهدید» و هم «فرصت» باشد، برای رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه بنا به ماهیت، خصمیت و عملکرد واقعی و روزمره سهاد ولایت، تنها یک «تهدید» برای نظام ولایت فقیه است و به خاطر همین است که سرکوب هر اندیشه و عمل غیر ولایت فقیه همواره سیاست اصلی این نظام بوده است. ایجاد یک نظام سیاسی دموکراتیک، به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت و مشارکت گسترده در تمامی زمینه‌ها برای مردم، یکی از مهمترین پارامترهای تامین «امنیت ملی» است. و این

موضوع به روشنی در تضاد بنیادی با رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه است. مشغله اصلی شرکت کنندگان در این همایش تامین «امنیت ملی» مردم ایران و یا قانونمند کردن رقابت‌های سیاسی نبوده است. روی سخن سرکردگان رژیم و برگزارکنندگان این همایش به باندهای داخلی رژیم است و حرف اصلی در ماده ۶ به روشنی به این شکل بیان شده که «افراط‌گرایی، یکی از عوامل تهدید کننده امنیت ملی» است.
 تنظیم کنندگان بیانیه صحبت از یکی از عوامل «تهدید» کننده امنیت می‌کنند و در سرتاسر بیانیه هیچ صحبتی از دیگر عوامل تهدید کننده نشده است. پس اگر نتیجه بگیریم که منظور از یکی از عوامل، تاکید بر مهمترین عامل بوده است، نتیجه غلطی نگرفته ایم و حقیقت نیز همین است منتها در برداشت از «افراط‌گرایی» باید تأمل و به واقفیت مراجعه کرد.
 سرکردگان و نخبگان رژیم مبارزه قاطع، روشن و مداوم مردم ایران برای برپیدن بساط ننگین رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه را همواره «افراط‌گرایی» نامیده و آن را سرکوب کرده‌اند. از طرف دیگر تشدید تضاد بین مردم و کل رژیم که منجر به تشدید تضاد درون حکومت شده و می‌شود، خارج از اراده سرکردگان رژیم و یا عناصر اصلی باندهای تشکیل دهنده نظام، منجر به این خواهد شد که بعضی خط قرمزها و مرزهای نظام ولایت فقیه به وسیله عناصر خودی خدشه‌دار شود و این جنبه از «افراط‌گرایی» که شکاف در بالا را گسترده‌تر خواهد کرد برای ولی فقیه و ایادی او و نیز تمامی کسانی که بقاء نظام ولایت فقیه منافع آنان را تامین می‌کند هشدار دهنده است. همایش «رقابت‌های سیاسی و امنیت ملی» در صدد است تا این «افراط‌گرایی» را کنترل کرده و آن را از نقطه «ستیز» به سمت «تعادل» سوق دهد. این تلاش البته یک واقعیت غیر قابل انکار از طرف آگاه‌ترین عنصر تمامی جناحها و باندهای درون حکومت است. اما واقفیتی برجسته‌تر این است که این تلاش به خاطر ماهیت رژیم و تضاد مردم با آن، تلاشی بیهوده است.

تفسیر خبری هفته به نقل از جنگ صدا

— مصور امان
 حضور ۲۰ تماشاچی زن ایرلندی در جریان مسابقه فوتبال بین تیم های این کشور و ایران، ضمن آنکه طبق اظهارات گوناگون وابستگان به دو جناح حکومت، از ظرفیت تبدیل شدن به یک بحران جدید در روابط آنها را برخوردار است، همزمان زاویه دیگری از برخورد رژیم جمهوری اسلامی به مقوله ی زنان را به روشنی به نمایش می‌گذارد.
 اینکه حکومت اسلامی مالاها، طبق آموزه های ایدئولوژیک و شریعت خود، زنان را در ردیف مجنونین و خردسالان برمی شمارد، نکته تازه ای محسوب نمی‌شود. زنان میهن ما، با هرگام در پهنه امور شخصی و اجتماعی، پیامدهای مادی این درک تبعیض آمیز و عمیقاً واپس‌گرایانه را ناچار به تجربه هستند. شرع سنگواره شده اخوندی، به لطف دست اندازی به قدرت سیاسی اکنون درونمایه قوانین رسمی کشور و مواردی که بویژه به تنظیم و برخورد به حوزه هائی همچون خانواده، ارث، شهادت، سرپرستی، اشتغال، تحصیل، مسافرت و جز آن مربوط می‌شود را تشکیل می‌دهد. و علاوه بر آن، رژیم ملوک الطوائفی حاکم بر دادگاه های مرکزی و محلی، دوائر انتظامی، ادارات شهری و روستائی و سلیقه های پریشان اعمال شده از سوی آنها، خود وخامت وضعیت حقوقی و زندگی روزمره

زنان را دوچندان ساخته است.
 در درک اولیه واضعان و تحمیل کنندگان آپارتهای جنسی، اصل مذهب می‌مزبور همانند قصاص، ممنوعیت نوشیدن الکل، حرام شمردن موسیقی و شطرنج، تشویق به عزاداری و از این زمره، امری در خدمت سرحات بخشیدن به هیت دینی حکومت، متمایز نمودن آن از فرم های شناخته شده دیگر و سرآخر مشروعیت عمسی دادن به حکمرانی انحصاری مالاها به مثابه ناظران و پاسداران وجدانسی و قانونی شریعت بود.
 به تدریج کنه ناسمجگونی انگاره های عشیرتی - قبیله ای مالاها، با موقعیت واقعا موجود زنان آشکار گردید و محدودیت چارچوب های ابسترده آن با نیازها و مطالبات مشخص و پیش رونده اینان، شکست انگاشت مزبور را به رخشان کشید، سیاست های حکومت در این زمینه نیز ناگزیر از یک دگمائی صرفا ایدئولوژیک به دبدگاهی امنیتی - اجتماعی گذر کرد. مقاومت فعال یا منفی زنان، جنسش اجتماعی ای را شکل داد که تشکل یابی و در نتیجه حضور مادی اش، از طریق گرایش گسترده و همسوی اجزای پراکنده آن به رفع تحمیلات و نابرابری صورت می‌گرفت. امری که به یک معنا آنان را به تب نگار شدت و حدت در جه ی نارضایتی در جامعه تبدیل می نمود.
 شکل گیری بازوهای رسمی و غیر رسمی سرکوب زنان بقیه در صفحه ۱۲

اخبار کارگری

اعتراضها و اعتصاباتهای کارگری

شرکت نساجی پاکریس

مهندسپر

سیاست روز ۲۲ مهر - در اعتراض به مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی در خصوص بازسازی صنایع نساجی کشور، کارگران شرکت پاکریس با تجمع در محل خانه کارگر سمنان مخالفت خود را با این مصوبه اعلام کردند.

کارخانه فرش و پتو تبریز

خبرگزاری ایسنا ۲۳ مهر - ۸۰ نفر از کارگران رسمی و با سابقه کارخانه فرش و پشم و پتوی تبریز که از این کارخانه اخراج شده اند، در خانه کارگر تبریز گردهم آمدند. گفتنی است، اجتماع کارگران در مقابل کارخانه منجر به دستگیری و بازداشت موقت عده ای از آنان شد.

حمایت کارگران آذربایجان

شرقی از کارگران اخراجی فرش

و پتوی تبریز

روزنامه کار و کارگر ۲۶ مهر: اگر کارگران اخراجی شرکت فرش و پتوی تبریز هرچه زودتر به سر کارهای خود باز گردانده نشوند و یا نسبت به تامین حق و حقوق قانونی آنها اقدامی اساسی صورت نگیرد، جامعه کارگری آذربایجان شرقی همه قدرت و توان خود را برای دفاع از آنان به کار خواهد گرفت.

نمایندگان کارگران تعدادی از واحدهای تولیدی - صنعتی بزرگ تبریز که به همراه جمعی از اعضای شوراهای اسلامی کار و انجمنهای صنفی کارگری این شهر در گردهمایی گروه کثیری از کارگران شرکت فرش و پتوی تبریز در سائل اجتماعات خانه کارگر تشکیلات تبریز حضور یافته بودند، حمایت قاطع خود را از کارگران اخراجی این شرکت اعلام کرده و نسبت به عواقب احتمالی هرگونه سستی و سهل انگاری در جهت احقاق حقوق این کارگران مظلوم و بی پناه به مسئولان اداری و اجرایی این شهر هشدار دادند. رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور نیز که به منظور اعلام همدردی با کارگران اخراجی شرکت فرش و پتوی تبریز در گردهمایی پر شور و هیجان آنها حضور یافته بود، ضمن اعلام تاسف از وضعیت ناراحت کننده ای که برای این کارگران به وجود آمده است بر پشتیبانی عینی و عملی این تنها نهاد رسمی و قانونی کارگران کشور از حرکت حق طلبانه

کارگران شرکت فرش و پتوی تبریز تاکید کرد.

کارگران چیت سازی بهشهر

روزنامه توسعه ۲۸ مهر - تعدادی از کارگران بازنشسته کارخانه چیت سازی بهشهر برای سومین بار در ۱۰ روز اخیر در مقابل این کارخانه تجمع کردند. کارگران معترض که بیشتر آنان زن هستند علت تجمع خود را عدم پرداخت ماهانه ۴۰۰ هزار ریال توسط کارخانه چیت سازی بابت بدهی سنوات گذشته در ۲ ماه اخیر ذکر می کنند.

مرکز پژوهشهای مجلس

خواستار تغییر قانون کار شد

همشهری ۳۰ مهر - مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی در گزارشی که از بخش صنعت ارائه کرده نهادهای بازار کار را یک چالش عمده صنعت کشور می داند و معتقد است قانون کار باید بازنگری شده و از نظر پیش بینی انعطاف پذیری برای تعدیل نیروی انسانی تغییرات لازم در آن انجام شود. این گزارش که در تازه ترین نشریه این مرکز درج شده تاکید می کند. یکی از موانع سرمایه گذاری صنعتی ایران، انعطاف ناپذیری اشتغال است.

۵۰۰ کارگر چیت سازی بهشهر

ساعت ها جاده را بستند

روزنامه کار و کارگر ۳۰ مهر - ۵۰۰ تن از کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر دیروز به خاطر عدم دریافت ۹ ماه حقوق معوقه و همچنین دو ماه حقوق جاری شهروبر و مهر پس از تجمع در مقابل فرمانداری این شهر و عدم پاسخگویی مسئولان، جاده اصلی بهشهر به گران را تا ساعت ۱۴:۳۰ مسدود کردند که بدون هیچگونه درگیری و مشکل کارگران به محل کارخانه برگشتند.

شایان ذکر است کارخانه چیت سازی بهشهر همانند دیگر کارخانجات نساجی کشور چند سالی است که به خاطر مشکلات عدیده از جمله سوی مدیریت، کمبود نقدینگی - فرسودگی ماشین آلات رنج برده و دوران سختی را سپری می نماید که یک بار از طریق صندوق حمایت از کارگران کشور و یک بار از طریق کمیته بحران دولت کمکهای مالی برای پرداخت حقوق و راه اندازی این واحد تخصصی یافت که متأسفانه همه این کمکها به صورت مقطعی بوده است.

در حال حاضر بیش از یک هزار نفر از کارگران چیت سازی بهشهر بالاتکلیف هستند.

کارخانه پشم و پتوی تبریز

جمهوری اسلامی ایران - صبح دیروز تعداد ۸۰ نفر از کارگران اخراجی کارخانه پشم و پتوی تبریز به عنوان اعتراض در مقابل استانداری آذربایجان شرقی اجتماع کردند. نمایندگان کارگران اخراجی در خصوص این مسئله اظهار داشتند: کارفرمای این کارخانه از سال ۷۲ تاکنون به بهانه های مختلف صدها نفر از کارگران رسمی را اخراج نموده و به جای آنان کارگران قراردادی را جذب کار نموده است. اعضای شوراهای اسلامی کار کارخانجات و شرکتهای خدماتی نیز با اجتماع در خانه کارگر تبریز و با امضا طوماری خواهان بازگشت به کار کارگران اخراجی گردیده و در این طومار اعلام داشته اند که با دقت و شدت تا حصول نتیجه موضوع را پیگیری خواهند نمود.

کارخانه نساجی بهشهر بسته شد

روزنامه انگلیسی زبان تهران تایمز ۵ آبان - بدنبال تظاهراتی که توسط کارگران کارخانه نساجی بهشهر در شمال ایران در اعتراض به حقوق قبیضشان برگزار شد، کارخانه بسته شد. فرماندار بهشهر طی اطلاعیه ای گفت، به کارگران برای این تظاهرات اجازه داده شده است، اما اگر آنها جاده ها را ببندند و به هم ریختگی ایجاد کنند بر اساس قانون با آنها برخورد می شود.

کارگران پشم بافی کشمیر

روزنامه توسعه ۹ آبان - کارگران کارخانه پشم بافی کشمیر کرمانشاه، در یک تجمع اعتراض آمیز نسبت به تعویق در پرداخت حقوق خود، دست به تحصن در استانداری این استان زدند. در این تحصن که به صورت آرام برگزار شد، کارگران اعلام کردند: «۸ ماه است که برای امرار معاش، وسایل خانگی خود را می فروشند.» این سوزنی نماینده کارگران معترض این کارخانه، در تجمع اعتراض آمیز کارگران کشمیر گفت: این کارخانه ۴ سال است که دچار مشکل گردیده و تا کنون مدیر عامل آن، به دفعات و حتی حل این مشکلات تعهد داده و حتی چندین بار، وامهایی حدود یک میلیارد تومان دریافت کرده است. به گفته وی، از محل این اعتبارات هیچ گونه هزینه ای برای کارخانه انجام نشده است.

کارگران کارخانجات نساجی

کرمانشاه

روزنامه آفتاب ۱۲ آبان - اعتصاب کارگران کارخانجات نساجی غرب کشور به عنوان بزرگترین واحدهای تولیدی کرمانشاه که از سه شنبه هفته گذشته شروع شده همچنان ادامه دارد.

جواد اکبری، دبیر اجرایی خانه کارگر کرمانشاه در گفت و گو با ایسنا افزود: عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران توسط کارفرما و قطع برق کارخانه از سوی اداره برق از دلایل اعتصاب کارگران است.

صیادان بوشهر

خبرگزاری ایرنا ۱۳ آبان - مدیران عامل تعاونیهای صیادان استان بوشهر در اعتراض به سیاستهای دولت در بخش شیلات روز یکشنبه در تالار ملاقات مجلس شورای اسلامی تجمع کردند و خواستار دیدار با نمایندگان کمیسیون کشاورزی شدند. مدیرعامل اتحادیه صیادان استان بوشهر، به ایرنا گفت: دیوانسالاری، مقررات ضد و نقیض و اخذ تعرفه های سنگین، بخش صیادی را فلج کرده است.

کارگران کارخانه بافندگی

شاهید فرصتیان

روزنامه انگلیسی زبان دینی ۱۶ آبان - کارگران کارخانه بافندگی شاهید فرصتیان تظاهراتی برگزار کردند و درخواست یک راه حل برای مشکلاتشان نمودند. حدود ۱۰۰ کارگر در این تظاهرات شرکت کردند. کارخانه شاهید فرصتیان که به یک بخش خصوصی تعلق داشت در سال ۱۹۹۸ بسته شد. در نتیجه بسته شدن، ۴۰۰ کارگر بالاتکلیف هستند.

موج بیکاری

جمهوری اسلامی ایران - مدیرکل تحقیقات و پژوهش وزارت تعاون گفت: هم اکنون افزون بر ۲۰ میلیون نفر در کشور در حال تحصیل هستند که به زودی به شکل یک موج وارد بازار تقاضای کار می شوند. جعفر عسکری روز پنجشنبه در اصفهان افزود: از مجموع ۶۴ میلیون نفر جمعیت ایران، ۷۰ درصد در گروههای سنی کمتر از ۳۰ سال قرار دارند و جوان بودن جمعیت دغدغه اشتغال در کشور را افزایش داده است. وی که در همایش «ارزیه یافته های طرح تحقیقی زمینه یابی تشکیل تعاونیهای اشتغالزا برای فارغ التحصیلان دانشگاه ها» سخن می گفت، بافت جمعیت ایران را با سواد و دارای آگاهی دانست و گفت: سطح آگاهی جمعیت جوان، سطح انتظارات را نیز افزایش داده است. وی گفت: این در حالی است که جامعه نیز قادر به پاسخگویی به انتظارات نیست. وی گفت: اگر از بافت جمعیت کشور به عنوان یک فرصت برای توسعه استفاده نشود، این فرصت بدل به تهدید شده و لشکر بیکاران جامعه با انواع مشکلات مواجه خواهد کرد.

بقیه در صفحه

اخبار کارگری

بقیه از صفحه ۳

کارگران چوخای ساری

روزنامه کیهان ۳۰ آبان - جمعی از کارگران بیکار شده کارخانه نساجی چوخای ساری در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایای معوقه و توقف فعالیت این واحد تولیدی در مقابل استانداری مازندران تحصن کردند. این افراد که تعدادشان به بیش از یکصد نفر می رسد با انتقاد از بی توجهی مسئولان استانداری مازندران به رفع مشکلات خود و تعطیلی یکساله کارخانه نساجی چوخا خواستار اقدام عاجل دولت در حل مشکلات مالی کارخانه و بازگشت به کار کارگران بیکار شده این واحد شدند. شرکت نساجی چوخا وابسته به بانک صنعت و معدن است که بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران به دلیل توقف فعالیت کارخانه از یک سال گذشته تاکنون بیکار هستند و این در حالیست که از مزایای بیمه بیکاری نیز بهره مند نیستند.

کارگران کارخانه آهک لرستان

روزنامه کیهان ۲۰ آبان - حضور نمایندگان اعزامی بانک مسکن در پلدختر با واکنش شدید کارگران بیکار شده کارخانه آهک صنعتی لرستان مواجه شد. نمایندگان بانک مسکن اعزامی از تهران که به منظور بررسی وضعیت کارخانه آهک صنعتی لرستان به اداره کار پلدختر مراجعه کرده بودند با واکنش شدید کارگران بیکار شده این کارخانه مواجه شدند به طوری که از سوار شدن به خودرو و حرکت آنان جلوگیری کردند. براساس این گزارش با وساطت رئیس اداره کار پلدختر و نماینده کارگران از درگیری و تعرض کارگران به آنان جلوگیری شد.

کارگران چیت سازی بهشهر

روزنامه کیهان ۲۱ آبان - جمعی از کارگران چیت سازی بهشهر با انجام راهپیمایی اعتراض آمیز در خیابانهای این شهر و انسداد جاده سراسری مازندران به خراسان خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شدند.

این کارگران که تأخیر ۲ ماهه پرداخت حقوق و مزایا و عیدی و پاداش و فقدان مواد اولیه مورد نیاز فعالیت کارخانه چیت سازی و تعویض مدیریت کارخانه را علت اعتراض خود عنوان کردند، با اجتماع در مقابل فرمانداری این شهر و سردادن شعارهای اعتراض آمیز برخواسته خود برای روشن شدن تکلیف کارخانه و تأمین مطالبات کارگران بیکار شده تأکید کردند.

کارگران معترض طی ۲ روز اخیر با اجتماع در خیابان های اصلی بهشهر مانع از تردد وسایط نقلیه به مقصد استان گلستان و خراسان شدند و این امر سبب ایجاد ترافیک سنگین در این شهر شد.

روزنامه کیهان ۲۲ آبان - اجتماع اعتراض آمیز کارگران چیت سازی بهشهر در جاده سراسری مازندران به خراسان سرانجام با دخالت نیروی انتظامی و درگیری فیزیکی پایان یافت. این کارگران که به مدت ۲ روز با انسداد خیابان اصلی شهر خواستار رسیدگی به مشکلات معیشتی و از جمله پرداخت ۲ ماهه حقوق و مزایای معوقه خود بودند صبح امروز با حمله ور شدن به مغازه های اطراف خیابان و شکستن شیشه های آن خشم خود را بروز دادند.

نیروی انتظامی بهشهر با دستگیری چند تن از عاملان این واقعه در حال حاضر کنترل شهر را در دست دارد و کارگران معترض نیز خیابان ها را ترک کرده اند گفتنی است اجتماع اخیر کارگران چیت سازی بهشهر در خیابانها سومین مرحله از اعتراض مرحله ای آنان نسبت به وضع مدیریتی و بحران ناشی از رکود فعالیت اقتصادی واحد تولیدی تحت پوشش است که تاکنون نتیجه ای جز بروز مشکلات ترافیکی و اختلال در نظم عمومی این شهر دربرداشت.

پاسخ کارگران را با زندان دادند

روزنامه کار و کارگر ۲۳ آبان - مراغه - در پی درخواست های مکرر کارگران شرکت پارس پویا مبی بر رسیدگی مقامات و مسئولین به مشکلات آن و اطلاع رسانیهایی مستمر در روزنامه های محلی، منطقه ای

و سراسری در رابطه با چگونگی بروز مشکلات و منشای اصلی آن نه تنها رسیدگی جامعی در زمینه های فوق صورت نگرفته بلکه به خاطر شکایتهای به عمل آمده و قدرت نفوذ برخی افراد کارگران و نماینده قانونی کارگران شرکت پارس پویا پس از بازداشت موقت در پاسگاه به زندان انتقال داده شده اند.

کارخانه نساجی چوخا

روزنامه ایران ۲۳ آبان - ۲۰۰ نفر از کارگران نساجی چوخای ساری در مقابل استانداری تجمع کردند. کارگران این واحد تولیدی به دلیل عدم دریافت حقوق و مزایای هشت ماهه در مقابل استانداری تجمع کردند. با تجمع کارگران در مقابل استانداری، رفت و آمد خودروها در این مسیر به طور کامل مختل شده است.

کارخانه نساجی چوخا دارای ۳۰۹ کارگر است که به دلیل مشکلات مدیریتی، کاهش نقدینگی و فرسودگی ماشین آلات در آستانه تعطیلی است. این سومین تجمع کارگران نساجی در مدت کمتر از یکسال در مقابل استانداری مازندران است.

کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر کارون

روزنامه جمهوری ۲۴ آبان - در پی دستور العمل مدیریت شرکت کشت و صنعت نیشکر کارون در حومه شوشتر مبنی بر اخراج ۱۵۰۰ نفر از نیروهای موقت این مجتمع عظیم، موجی از ناراضی و اعتراض در بین کارگران اخراجی به وجود آمد و این در حالی است که شرکت کارون هر روز از طریق اداره کار شوشتر و دزفول، تعدادی از مدیران داخلی نیروی موقت جدید استخدام می نمایند. که این امر ناراضیهای شدیدی در بین کارگران اخراجی به وجود آورده به طوری که تعداد ۳۰۰ نفر از این کارگران ضمن مسدود کردن جاده اختصاصی کشت و صنعت کارون به دزفول مانع رفتن سایر کارگران این شرکت به مناطق و شهر دزفول شدند بر اساس این گزارش این حادثه که چند ساعت به طول انجامید با دخالت نیروهای انتظامی شوشتر-دزفول خاتمه یافت.

اخبار

زندان : شکنجه ، اعدام

آمار زندانیان کشور ۲۵ درصد افزایش یافته است

روزنامه همشهری ۲۴ مهر: رئیس سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور گفت: آمار زندانیان کشور در شش ماه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۵ درصد افزایش یافته است. مرتضی بختیاری تعداد زندانیان کشور را ۱۷۰ هزار نفر اعلام و گفت فضای موجود زندانها جوابگوی ۷۰ هزار زندانی است. وی مواد مخدر را مهمترین آسیب های اجتماعی دانست به گونه ای که از زندانیان کشور ۱۰۲ هزار نفر آنان در ارتباط با مواد مخدر و اعتیاد زندانی هستند.

در زندان اوین سه مجرم به دار آویخته شدند

روزنامه آفتاب آبان : روابط عمومی دادگستری کل استان تهران اعلام کرد : حکم اعدام سه نفر در زندان اوین به اجرا در آمد. این گزارش همچنین حاکی است نامبردگان با بدنام کردن مأموران سیج و نیروی انتظامی و جعل عنوان آنان دست به جنایت زده و به جان و مال و ناموس برخی از شهروندان تهرانی تجاوز کرده بودند.

۳ نفر به دار آویخته شدند

روزنامه توسعه ۳ آبان ۱۳۸۰: سه قاتل پس از تأیید حکم قصاص از سوی دیوان عالی کشور در زندان قصر به دار مجازات آویخته شدند. به گزارش خبرنگار توسعه حسن ملا پور در ۲۰ اردیبهشت ماه سال گذشته به اتهام قتل عمدی اکبر اصغری دستگیر شد وی پس از جلسات دادگاه و با توجه به خواسته خانواده مقتول مبنی بر قصاص از سوی قاضی اسماعیلی به قصاص نفس محکوم شد. همچنین روز گذشته فردی

به نام جواد آذرماه سال ۷۹ به اتهام قتل عمد جواد احمدی دستگیر و پس از محاکمه در شعبه ۱۶۰۳ از سوی قاضی کاشانی به قصاص محکوم شد. سومین مرتهم به نام حسن سلمانی در ۳۰ خرداد سال گذشته دستگیر و از سوی قاضی همیتیار رئیس شعبه ۱۶۰۸ به قصاص نفس محکوم شد.

افزایش ۵۵ درصد معتادان کشور و رسیدن به آمار ۶ میلیون معتاد

رادیو رژیم ۵ آبان: دبیر جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران اعلام کرد سالانه ۵ درصد به جمع معتادان کشور افزوده می شود که سازمان بهداشتی تنها می تواند ۲ درصد معتادان را مداوا کند. خسرو تیا بودجه سازمان بهداشتی کشور را برای درمان معتادان ناکافی دانست و اعلام کرد که حدود ۵ میلیون معتاد در کشور وجود دارد که بنا به آمار رسمی بسیاری از آنان دارای سن پایین هستند.

اعدام دو تن در ایرانشهر

روزنامه قدس ۷ آبان ۱۳۸۰: دو تن از اشرار با سابقه ایرانشهر دزپرور در ملاء عام اعدام شدند. در گزارش روابط عمومی دادگاه انقلاب اسلامی ایرانشهر، اسامی این افراد شوکت برهانزهی فرزند مراد و لایبخش بامری فرزند رسول بخش مشهور به دکالی ذکر شده است. به موجب رأی شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی ایرانشهر و تأیید دیوان عالی کشور با طناب دار اعدام شدند.

اعدام سه رباینده دختران و زنان جوان

روزنامه حمایت ۸ آبان ۱۳۸۰: با تأیید دیوانعالی کشور سه تن از اعضای اصلی یک شبکه آدمربایی به اتهام آزار و اذیت دختران و زنان در محوطه زندان اوین به دار مجازات آویخته شدند.

گزارش سیاسی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به اجلاس شورای عالی سازمان

اولین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز قرن بیست و یکم در شرایطی برگزار می‌شود که جهان ما با بحرانی بزرگ دست و پنجه نرم می‌کند و مردم کشور ما درگیر مبارزه‌ای سخت و بی‌امان برای تحقق خواسته‌های اساسی خود هستند. مبارزه مردم ایران برای دموکراسی، عدالت و استقرار یک نظام عرفی که از انقلاب مشروطه در آغاز قرن گذشته آغاز شد، طی دوران پرفراز و نشیبی همراه با قربانیان بسیار، اکنون به نقطه حساس و تعیین کننده رسیده است. طی یک صد سال گذشته شمار زیادی زنان و مردان کشور ما در مبارزه علیه مرتجعان، دیکتاتورها و امپریالیست‌ها به شهادت رسیدند. مبارزه مقاومت مردم ایران طی قرن سهری شده راهی سخت و پرفراز و نشیب را پیموده و در این مبارزه سترگ همواره ارتجاع داخلی با کمک نیروهای استعماری به سرکوب خونین مردم مبادرت ورزیده است. در نیمه ی قرن گذشته امپریالیسم آمریکا وانگلیس با کمک تعدادی از ارادل و اوباش، عناصری از ارتش و با حمایت بخشی از روحانیان به رهبری آیت‌الله کاشانی (میراث‌دار شیخ فضل‌الله نوری و سلف روح‌الله خمینی) دولت زنده یاد دکتر محمد مصدق را با یک کودتای ننگین سرنگون کرده و محمدرضا شاه که از ترس جنبش مردم ایران از کشور گریخته بود را دوباره به قدرت رساندند. محمدرضا شاه پس از سرکوب گسترده در آغاز دهه چهل خورشیدی (دهه شصت میلادی) به دستور دولت آمریکا ابتکار یک سلسله رفرمهای اقتصادی برای نابودی سلطه فئودالیسم بر اقتصاد و سیاست کشور را در دست گرفت. رفرمهای آغاز دهه چهل خورشیدی، در ساخت طبقه حاکم ایران تغییری اساسی به وجود آورد و از آن زمان ایران به مثابه یک کشور پیرامونی در جهت توسعه برون‌گرا، ناموزون، یکسویه و متکی بر درآمد نفت، همراه با انجماد سیاسی اجتماعی، فرهنگی گام گذاشت. این شکل از توسعه بر خلاف ظاهر مدرن آن، منجر به تقویت جریان سنتی و ارتجاعی که از آستانه انقلاب مشروطه با مدرنیسم و تحولات دموکراتیک مخالف بود، گردید. بدین ترتیب رفرم ارضی همراه با دیکتاتوری سیاسی در بطن خود شرایط مادی برای

ظهور و پرورش خمینی و دستگاه فکری، تشکیلاتی او را فراهم آورد. خمینی از همان آغاز با این رفرمها مخالفت کرد، و در مقابل حزب توده به تبعیت از سیاست خارجی اتحاد شوروی به تأیید کامل آن پرداخت، سران جبهه ملی در سردرگمی کامل با این رفرمها مواجه شدند و کمیته دانشگاه جبهه ملی به مثابه مترقی‌ترین جریان سیاسی آن زمان، با شعار «اصلاحات آری، دیکتاتوری نه» به مخالفت با دیکتاتوری شاه برخاست. وابستگی شاه به امپریالیسم آمریکا که در کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ از نظر سیاسی شکل گرفت، در رفرمهای موسوم به «انقلاب سفید» از نظر سیاسی و اقتصادی تکمیل شد. فرصتی که جامعه ما در دوران نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق برای در پیش گرفتن یک توسعه پایدار، درون‌گرا، پیوسته، موزون و دموکراتیک به دست آورده بود، با کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و پس از آن رفرمهای آغاز دهه چهل خورشیدی از دست رفت. کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت مترقی و مردمی دکتر محمد مصدق و شکست جنبش رهاییبخش مردم ایران، دورانی طولانی از اختناق و رکود در میهن ما به وجود آورد. حزب توده ایران به علت وابستگی عمیق و فرمانبرداری از اتحاد شوروی و نیز به علت اپورتونیسم عمیقی که بدان دچار بود، نتوانست در مقابل این کودتا یک واکنش مناسب نشان دهد و از همین رو به شکستی استراتژیک دچار شد. شکست حزب توده و تسلیم و زبونی رهبران آن، ضربه سختی به حیثیت کمونیسم در جامعه ایران وارد نمود. تحولات رفرمیستی در سال ۱۳۴۱ که محمدرضا شاه آن را «انقلاب شاه و ملت» نامگذاری کرد و مهمترین بخش آن اصلاحات ارضی بود، به علت وجود دیکتاتوری فردی شاه، منجر به یک رفرم سیاسی و تغییر در ساختار سیاسی جامعه ایران نگردید. این اقدامها، پایه‌های دیکتاتوری را مستحکم‌تر نمود. دیکتاتوری شاه، با سرکوب آزادیها و حقوق دموکراتیک مردم، با نفی آزادی بیان، عقیده و وجدان، با ممنوع نمودن فعالیت احزاب سیاسی و جریانات اجتماعی و سندیکاها، کارگری، با دستگیری و شکنجه نیروهای مخالف، امکان هرگونه مبارزه مسالمت‌آمیز را از

مردم سلب کرده بود. در چنین شرایط سرکوب و اختناق بود که هسته اولیه جنبش پیشتاز فدایی به ابتکار فدایی شهید رفیق بیژن جزنی (از فعالان کمیته دانشگاه) شکل گرفت و در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ جنبش پیشتاز فدایی با رستاخیز سایه‌گل تولد جنبش نوین کمونیستی ایران را اعلام نمود. بدین ترتیب راهی دشوار و طولانی برای تحقق استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم آغاز شد. اکنون ما در آستانه آغاز سی و دومین سالگرد حیات جنبش پیشتاز فدایی گرد هم آمده‌ایم تا با بررسی شرایطی که از نظر داخلی و بین‌المللی وجود دارد، خطوط کلی و رهنمودهای عمل در مبارزه برای رسیدن به اهدافی که سازمان ما در مقابل خود قرار داده را مشخص کنیم. چهار سال قبل، اجلاس شورایی سازمان به تصویب منشور سازمان پرداخت. بحث و بررسی پیرامون پروسه بنیانگذاری و رشد سازمان، جدالها و چالشهای درونی آن و انشعابهای حاصل از این جدالها، امپدیمتها و انحرافها آن و نیز نقاط قوت و خطوط استراتژیک و تاکتیکی آن موضوع پایان یافته‌ای نیست. بحث و بررسی پیرامون این مسائل باید همواره جریان داشته باشد. بسیاری از محققان و کارشناسان مسائل سیاسی در این زمینه بررسیهایی انجام داده‌اند. بسیاری از این تحلیلها و بررسیها به علت عدم اطلاع و یا جهت‌گیریهای سیاسی خاص تهیه کنندگانشان و اغراض و مطامع آنان، مملو از اشتباه، تحریف و دروغ است. با این حال بررسی، اهمیت، موقعیت و تجارب جنبش پیشتاز فدایی و نقشی که در گذشته، حال و آینده به عهده آن گذاشته شده همواره مهم و درس آموز می باشد. از این رو ما ضمن گرامیداشت تمامی تلاشهای صادقانه و ارزشمندی که در زمینه بررسی تئوری و عمل جنبش پیشتاز فدایی صورت گرفته، لازم می‌دانیم به مهمترین نقطه نظرات جنبش پیشتاز فدایی در آغاز تشکیل آن به طور فشرده اشاره کنیم. ۱- جنبش پیشتاز فدایی یک جریان کمونیستی بود که اگرچه نسبت به گذشته این جنبش نگرش انتقادی داشت، اما خود را میراث دار سن مثبت و انقلابی و تاریخ آن که از آستانه انقلاب مشروطه (۱۹۰۶ میلادی) شکل گرفته

بود، می‌شناخت. سازمان ما در گام اول برای تحقق ایرانی آزاد، مستقل، دموکراتیک و طرفدار عدالت اجتماعی در جهت استقرار سوسیالیسم به مثابه تنها راه رهایی کارگران و زحمتکشان مبارزه خود را آغاز کرد. برای سازمان ما، انقلاب دموکراتیک و سوسیالیستی دو مرحله به کلی گسسته از هم نبود، و دقیقاً دو فاز پی در پی از یک پروسه محسوب می‌شد. فرآیندی که ابتداء مبارزه با ارتجاع داخلی و حاکمیت استبدادی، به یک حکومت دموکراتیک و انقلابی منجر گشته و سپس در انکشاف مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه بورژوازی به حکومت کارگری فرامی‌روید. ۲- سازمان پیشتاز فدایی، معتقد به رابطه مستقل و برابر با قطبهای جنبش جهانی کمونیستی بود. سازمان یک جریان قطب‌گرا و دنباله‌روی جریانهای بین‌المللی کمونیستی نبود. از این لحاظ با جریاناتی مثل حزب توده که مجری دستورات بخش بین‌المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی سابق بودند و یا از چین و آلبانی دنباله روی می کردند، به طور کامل مرزبندی داشت. البته در درون سازمان میزان تأثیرپذیری از رویدادهای جنبش جهانی کمونیستی متفاوت بود. اما نقطه مشترک تمام گرایشهای درون سازمان، حفظ استقلال، نفی دنباله‌روی و قطب‌گرایی بود. ۳- سازمان استراتژی و تاکتیک خود را اساساً از شرایط داخل ایران کسب می‌کرد. برخورد خلاق با ایدئولوژی و تحلیل مشخص از اوضاع مشخص، از خصوصیات برجسته سازمان بود. سازمان ما در آن سالها خود را هرگز زندانی کتب کلاسیک بزرگان جنبش جهانی کمونیستی ننمود. پذیرش مبارزه انقلابی مسلحانه به مثابه شکل اصلی مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری شاه، که عموماً توسط آنان که با مارکسیسم به مثابه آبه‌های آسمانی برخورد می‌کردند، رد می‌شد، ناشی از برخورد خلاق سازمان با تئوریهای مارکسیستی - لنینیستی بود. سازمان ما ایدئولوژی را رهنمود عمل و در خدمت آن می‌دانست و نه بر عکس. این بود فشرده نقطه نظرهای سازمان ما در آغاز تشکیل آن که در حقیقت بیان کننده ماهیت و خصلت آن طی سالهای قبل از انقلاب بهمن ۵۷ می‌باشد. سازمان چریکهای فدایی خلق ا

ایران قدرت عرض اندام پیدا می‌کنند، هستیم، برای صلح و جلوگیری از جنگ فراخوان دادیم. اما به هر حال دولت آمریکا و متحدین آن علیرغم اختلاف بر سر چگونگی جهانی شدن دست به جنگی نا عادلانه با اهداف ناروشتن و چشم‌اندازی نامعین زدند. از این رو ما یک بار دیگر بر مواضع گذشته خود تاکید می‌کنیم و ضمن آن که با تاکید مرز خود را از نیروهای ارتجاعی که اکنون در کنار طالبان و بن‌لادن قرار دارند جدا می‌کنیم، در کنار نیروهای ترقیخواه صلح‌طلب، خواستار قطع جنگ هستیم. به نظر ما اگر سازمان ملل متحد یک معیار روشن، بدون تبعیض و با تضمین اجرایی برای کنترل دولت‌ها در مورد رعایت حقوق بشر براساس منشور حقوق بشر ملل متحد و ضمیمه آن قائل شود، بنیادگرایی اسلامی و نیز هر گونه بنیادگرایی که در کام نخست علیه حقوق بشر و به ویژه حقوق زنان و کودکان جهت می‌گیرد، قدرت رشد و گسترش نخواهد داشت. از این رو ما اعلام می‌کنیم که:

۱- ما خواستار ایجاد یک پیمان همگانی، بدون تبعیض و قابل اجرا از طرف ملل متحد برای وادار کردن تمام دولت‌ها به رعایت حقوق پایه ای شهروندان خود بر اساس منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد و ضمیمه آن به ویژه در مورد زنان و کودکان هستیم.

۱- ما خواهان تعیین یک پیمان همگانی، بدون تبعیض و قابل اجرا از طرف ملل متحد به منظور وادار کردن دولت‌ها و کمیته‌های تسلیحاتی برای جلوگیری از فروش اسلحه و قاچاق اسلحه به دولت‌ها و گروه‌هایی که منشور حقوق بشر ملل متحد و ضمیمه آن منجمده در مورد زنان و کودکان را به رسمیت نمی‌شناسند و یا بدان عمل نمی‌کنند، می‌باشیم.

۲- دولت آمریکا به طور خاص و بعضی از قدرتهای بزرگ دیگر به طور عام و نیز دولت مذهبی اسرائیل، با عدم برسمیت شناسی و پیوست به بسیاری از پیمانهای عمومی ملل متحد و منجمده پیمان برای فروش تحت کنترل اسلحه، و نیز رفتار تبعیض آمیز در مورد دولت‌هایی که حقوق بشر را نقض می‌کنند و ... به اعتبار قدرت و جایگاه خود، مسئول بسیاری از نابسامانیهای موجود در عرصه مناسبات بین‌المللی هستند. تا وقتی دولت‌های بزرگ منافع و علائق عموم بشری مانند رعایت حقوق بشر، عدم تبعیض در مورد زنان، حقوق

ریخت، طالبان کابل را اشغال نمود و در سال بعد (۱۹۹۸) انفجار ساختمان سفارت آمریکا در کنیا و تانزانیا، ۲۲۴ کشته و هزاران زخمی بر جا گذاشت. اما سیاستمداران غریبی بنا کنترول دستگاه‌های اطلاعاتی نخواستند تمام حقایق را فاش کنند، همچنان که حقایق مربوط به انفجار طهران در عربستان سعودی و انفجار سفارت اسرائیل در آرژانتین را که بنا به گزارشهای متعدد، رژیم تروریستی ایران در آن دست داشته را پرده پوشی کردند. آن قدرتهایی که می‌توانند چنین سانسوری را حاکم کنند، سالانه میلیاردها دلار اسلحه به فروش می‌رسانند و جالب این است که به مدد وجود خامنه‌ایها، بن‌لادنها، طالبانها و ژنرال مشرف‌ها در گوشه و کنار جهان، حجم معاملات جهانی کارتل‌های مواد مخدر در جهان بالغ بر ۵۰۰ میلیارد است و سود حاصل از این تجارت که به جیب سران مافیای مواد مخدر ریخته می‌شود، در ردیف دوم و پس از سود کمپانیهای اسلحه قرار می‌گیرد. نیرویی که آمریکا در مقابل با بلوک شوروی سابق بدان نام «جنگجویان آزادی» داده بود، مثل مار در آستین انحصارات نفتی، تسلیحاتی و مافیای مواد مخدر پرور شد و زمانی که دریافت قدرتهای بزرگ او را در تقسیم غنایم شریک نمی‌دانند، دست به نافرمانی زد. عملیات جنایتکارانه و ضد انسانی روز ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، اوج این نافرمانی بود.

ما در همان ساعت‌های اولیه، این رویداد ضد انسانی را محکوم کرده و اعلام نمودیم از چنین عملیاتی نیروهای جنگ‌طلب، انحصارات تسلیحاتی، مافیای مواد مخدر و رژیمهای ارتجاعی و تروریستی مثل رژیم ایران سوء استفاده کرده و بر طبل جنگ خواهند کوبید. واقعیت این است که پس از این عملیات، جریانات راست افراطی در آمریکا و اروپا تقویت شده اند. جورج بوش در روزهای اول بر توری ارتجاعی «جنگ تمدنها» و «جنگ مقدس» که رنده کردن جنگ‌های صلیبی است تاکید می‌کرد. اما این رویکرد مافوق راست، چندی نپایید و افکار عمومی جهان با فریاد «نه تروریسم، نه جنگ» نشان داد که نمی‌خواهد به دوران بربریت باز گردد. ما هم چنین در کنار نیروهای ترقیخواه صلح‌طلب، ضمن آن که خواستار مبارزه برای برچیدن بساط مافیای بنیادگرایی اسلامی که کانون و مرکز نقل آن رژیم ایران است و طالبان و گروه القاعده به رهبری بن‌لادن به اعتبار وجود جریان بنیادگرایی حاکم در

سیاستمداران و نظریه پردازان مدافع انحصارات امپریالیستی، گرچه اینجا و آنجا از تهدید جدید بنیادگرایی اسلامی صحبت می‌کردند. اما آنان سرمست از پیروزی بر بلوک شوروی سابق ترجیح می‌دادند به ابداع مضحکترین و بی پایه‌ترین تئوریهایی مبنی بر «سنگ سوسیالیسم» و یا از آن مسخره‌تر «پایان تاریخ» بپردازند. انحصارات امپریالیستی، سیاستمداران و نظریه پردازان مدافع آنان، با جشن و شادمانی به تقسیم غنائمی که از فروپاشی «بلوک سوسیالیسم موجود» به دست آمده بود، پرداختند. اما این معرکه‌گیری سبک مغزانه دیری نپایید و نیروهای تبه فکری که به وسیله سرویسهای جاسوسی غرب آفریده شده و برای مقابله با سوسیالیسم و جنبشهای ترقیخواه مورد بی دریغ‌ترین حمایتها قرار می‌گرفتند، به عرض اندام پرداخته و حاضر نشدند مأموریت خود را خاتمه تلقی کنند. در حالی که غرب به طور عام و دولت آمریکا به طور خاص سیاست استمات و مداخلات در مقابل رژیم استبدادی مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران، به مثابه کانون اصلی و ام‌القراء بنیادگرایی اسلامی، اتخاذ می‌کرد نه فقط نمی‌توانست مدعی پیشتازی در مبارزه علیه بنیادگرایی مذهبی باشد بلکه در بسیاری موارد نیروهای بنیادگرایی مذهبی به مثابه عاملی مهم در رقابتهای جناحهای مختلف امپریالیستی مورد استفاده قرار گرفته و آشکارا یا در حفا مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفتند. طالبان محصول چنین سیاستی بود که توانست بنا پستیایی کامل ارتش پاکستان و حمایت بی دریغ عربستان سعودی و انحصارات نفتی و تسلیحاتی آمریکایی، در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۶ کابل را اشغال کرده و از آن پس روزگار سیاه مردم افغانستان را سیادت کند و هر جنایتی را به این خاطر که گویا تنها نیروی توانمند برای استقرار نظم در افغانستان است، در حق مردم این کشور روا دارد. نظم طالبانی متکی بر سر سبزه و شلاق و دار و اعدامهای گسترده و به خانه کشاندن زنان و هزاران جنایت دیگر، با سکوت سیاستمداران آمریکایی مواجه شد و در این میان شرکت‌های نفتی در رویای استقرار نظم در افغانستان و سپس ایجاد شرایط مناسب برای عبور خط لوله‌های گاز و نفت بودند. چه رویای احمقانه‌ای. سه سال پس از انفجار اتومبیل محتوای مواد منفجره در پارکینگ همین برجهایی که در روز ۱۱ سپتامبر فرو

ایران با این نظرات و با عمل انقلابی خود به بزرگترین سازمان سیاسی در استانه انقلاب بهمن ۵۷ تبدیل شد. در این مسیر بسیاری از ارزنده‌ترین رفقهای ما در راه هدفها و آرمانهای سازمان به شهادت رسیدند. سرچشمی که در سیه‌کل برافراشته شد و مشعلی که به دست رزمندگان دلیر فدایی برافروخته شد، اکنون در دست ماست. منشور سازمان ما محصول جمع‌بندی بحثهای ایدئولوژیک سیاسی طی دو دهه گذشته است. این منشور که ما اکنون یک بار دیگر به بررسی و بحث پیرامون آن می‌پردازیم، بادر نظر گرفتن تجربیات تئوریک و پراتیک انقلابی تنظیم گشته و باهنمای عمل ما در راه دشواری که در پیش داریم می‌باشد. بخشی از مواد این منشور از تحلیل ما از حاکمیت جهانی نظام سرمایه‌داری و تناقضات اساسی این نظام است. بخش دیگر آن به مسائل مشخص جامعه ایران و سیاستها و جهت گیریهای سازمان می‌پردازد. برای بررسی تمامی این مواد ضروریست شرایط داخلی و بین‌المللی که اکنون ما را احاطه کرده را بررسی کنیم.

شرایط بین‌المللی

الف - عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر

عملیات جنایتکارانه روز ۱۱ سپتامبر در آمریکا و رویدادهای پس از آن سبب گردیده که بعضی تحلیلگران از دوران جدیدی در عرصه بین‌المللی صحبت کنند. از روز ۱۸ نوامبر ۱۹۹۰ که سران ۳۴ دولت اروپای شرقی و غربی به اضافه آمریکا و کانادا در پاریس گرد هم آمدند و پایان جنگ سرد را اعلام کردند، تحلیل‌های گوناگون در مورد خصوصیات مرحله پس از جنگ سرد و یا «نظم نوین جهانی» انتشار یافت و چشم اندازه‌های متعددی از طرف گروه‌های سیاسی و بنیادهای تحقیقاتی که منافع گوناگونی را نمایندگی می‌کنند برای این دوران جدید ترسیم می‌شد. اما هیچ کس پیش بینی نمی‌کرد که نیروی مخرب بنیادگرایی اسلامی که در دوران جنگ سرد به وسیله آمریکا علیه کمونیسم و بلوک شوروی سابق سازماندهی شده و مورد حمایت و پشتیبانی کامل آن بود، بتواند سیستم امنیتی آمریکا را به لرزه درآورده و با عملیات وحشیانه و ضد انسانی عظیم‌ترین مرکز تجارت جهانی و نیز مرکز سازمان دفاع نظامی آمریکا را مورد حمله قرار دهد.

کودکان، رعایت محیط زیست و ... به خاطر حفظ منافع انحصارات تسلیحاتی، نفتی و سایر انحصارات بزرگ رعایت نمی‌کنند و تا وقتی جهان ما، جهانی مبتنی بر تبعیض، استثمار، گسترش اختلاف طبقاتی، فقر، گرسنگی، اعتیاد، فحشا، و بی‌خانمانی است، انجام عملیاتی مثل عملیات ۱۱ سپتامبر از جانب نیروهای ارتجاعی که به علت موقعیت طبقاتی و خاستگاه فکریشان نمی‌توانند یک آلترناتیو ترقیخواهانه و مدرن و عدالت طلبانه در مقابل نظم موجود ارائه دهند، اجتناب ناپذیر خواهد بود.

۳- فلسفه وجودی نیروها و دولت‌های بنیادگرا از هر فرقه، مذهب و ایدئولوژی به طور عام و نیروها و دولت‌های بنیادگرای اسلامی به طور خاص مبتنی بر یکسان سازی ایدئولوژیک و هم رنگ‌خواهی سیاسی است. تمام تلاش موزرانه و ریاکارانه آنان که همواره با شتی از جیف عوام‌فریبانه رنگ آمیزی شده است، هدایت انسانها به یک شریعت، فرقه، ایدئولوژی و دستگاه سیاسی است. در قاموس این نیروها خردگرایی هوشمند، مدرن، ترقیخواه، علمی و تکامل طلب، افکار شیطانی است. از این رو نیروهای ترقیخواه هنگامی می‌توانند اندیشه‌های نیروهای ارتجاعی بنیادگرا را ایزوله کنند که در تئوری و عمل با بنیادهای فکری نیروهای ارتجاعی تصفیه حساب قاطع کرده باشند. از این رو ما خواستار مبارزه سیاسی اجتماعی مستمر، قاطع، روشن و رادیکال از طرف تمامی دولت‌ها، نهادها، احزاب، سازمانها، انجمنهای غیر دولتی و ... که به طور جدی خواستار برچیده شدن بساط ننگین نیروهای بنیادگرا و موزران، داروغه‌ها، کزها و کمیسرهای رنگارنگ آنان هستند، می‌باشیم.

مواد بالا به مثابه خواست ما که خود طی بیست و سه سال گذشته به همراه مردم ایران اولین قربانیان بنیادگرایی اسلامی بوده‌ایم، می‌باشد.

ب- جهانی سازی و مبارزه برای سوسیالیسم جهانی

پس از رویداد ۱۱ سپتامبر، بسیاری صحبت از دوران جدید و عصر پس از ۱۱ سپتامبر می‌کنند، اما آیا پس از ۱۱ سپتامبر واقعاً عصر جدیدی در مناسبات بین نیروهای سیاسی اجتماعی به وجود آمده است؟ از نظر ما، با گذار سرمایه‌داری به مرحله امپریالیسم و آغاز خیزشهای اجتماعی با جهت‌گیری

سوسیالیستی و گسترش جنبشهای آزادی بخش و پیروزی انقلاب اکتبر و انقلابهای دموکراتیک پس از آن، جهان به عصر حذال بین امپریالیسم و جنبشهای سوسیالیستی و رهایی بخش گام گذاشت. عصر ما همچنین عصر گسترش عظیم آگاهیه‌های بشری و تحقق عظیم‌ترین انقلاب تاریخ بشری در زمینه نیروهای مولده، یعنی انقلاب اطلاعات و ارتباطات است. در آغاز این عصر جنگ ویرانگر جهانی اول و انقلاب سوسیالیستی اکتبر به وقوع پیوست. جنگ جهانی دوم و نسیم گسترش انقلابهای رهایی‌بخش در سالهای میانی قرن بیستم، نیروهای جدیدی را وارد مدارات جهانی نمود که به شکل‌گیری ساختارهای جدیدی در مناسبات بین‌المللی راه برد. این دوران، یعنی دوران جنگ سرد، رقابتهای بین بلوک امپریالیستی و بلوک شوروی سابق، بسیاری از رویدادهای جهان را تحت‌الشعاع خود قرار داده بود. اما در همان زمان نیز در ماهیت عصر ما تغییری حاصل نشده بود. با فروپاشی بلوک شوروی ماحنه پس از جنگ سرد آغاز گردید که در آن بسیاری از ساختارهای حقوقی در جهان دو قطبی کار کرد خود را از دست دادند. در همین زمان است که سیاستمداران و رسانه‌های امپریالیستی و محققان ریز و درشت مدافع انحصارات سرمایه‌داری، به آفرینش و احیای تئوریهای ارتجاعی از قبیل «جنگ تمدنیها»، «زوال سوسیالیسم»، «پایان تاریخ»، «صوچ سوم»، «به سوی تمدن جدید» مبادرت ورزیدند. چاپ رنگارنگ کتابهای ساموئل هانتینگتون و تافلر و تقویت نفوفاشیستها و نیز برآمد جدید اشکال مختلف بنیادگرایی و به ویژه بنیادگرایی اسلامی از دیگر مشخصات این ماحنه از عصر جدید است. اما مهم‌ترین برجسته‌ترین مشخصه مرحله پس از جنگ سرد، جهانی شدن در عرصه‌های گوناگون و در اساس در عرصه اقتصاد است. در بین انحصارات امپریالیستی بر سر چگونگی برخورد با روندهای پس از مرحله جنگ سرد و چگونگی شکل دادن به آنچه که پدر بوش آن را «نظم نوین جهانی» نامید، اختلافهای زیادی بروز کرد. فروپاشی بلوک شوروی سابق و انحلال پیمان ورشو، این سؤال را برای افکار عمومی دنیای غرب مطرح نمود که فلسفه وجودی پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) و افزایش بودجه نظامی برای مبارزه با کدام دشمن است. در همین زمان است که جنگهای منطقه‌ای

و تجاوزات نظامی امپریالیستی گسترش می‌یابد. در همین زمان است که یوکوسلاوی سابق به عرصه جدی ترین رقابت بین کشورهای امپریالیستی تبدیل می‌شود و انحصارات امپریالیستی - امریکایی که تا دیروز بنیادگرایان اسلامی افغانستان را به نام «جنگجویان آزادی» تقویت می‌کردند، اکنون به عنوان مثال به سازماندهی و تسلیح «اوچکا» می‌پردازند و آن را جنبش رهایی‌بخش می‌نامند تا با ادامه جنگ بالکان امکان تثبیت هژمونی خود بر سایر دولت‌های امپریالیستی را فراهم آورند. در همین زمان است که بسیاری از مستبدان منطقه‌ای که قدرت آنان از مرز سرکوب مردم خود فراتر نمی‌رود با «هیتلر» مقایسه می‌شوند. انحصارات تسلیحاتی برای فروش میلیاردها دلار اسلحه و ریختن بخشی از پولی که از مالیات دهندگان کشورهای غربی به دست می‌آید به چاه ویل کمپانیهای تسلیحاتی، احتیاج به «دشمن» تراشی و دشمن سازی دارند. در غیر این صورت دولتمردان امریکایی چگونه می‌توانند وجود ۷ هزار سلاح هسته‌ای استراتژیک و کارشکنی در پیشرفت مذاکرات مربوط به استارت ۲ را برای افکار عمومی خود توجیه کنند.

انحصارات تسلیحاتی، نفتی و نیروهای مدافع آن نمی‌خواهند به قواعد و قوانین دوران پس از جنگ سرد و ساختارهای حقوقی آن تن دهند. این که آمریکا حاضر نشد پیمان کیوتو - که ۱۰۰ کشور آن را امضا کرده‌اند - را به بهانه‌های مضحک بپذیرد، نه از سر جهل، بلکه به خاطر مقاومت در مقابل بعضی از پروسه‌های ترقیخواهانه در مرحله جهانی شدن است. انحصارات تسلیحاتی و مدافعان آنان نمی‌خواهند در رقابتهای امپریالیستی عرصه را به رقبای خود که از «آزادی عبور کالا و انسان» به معنی آزادی گسترش سرمایه و خرید رقابتی نیروی کار ارزان دفاع می‌کنند، واگذار نمایند و تعادل و توازن دوران پس از جنگ سرد را بپذیرند.

اهمیت رویداد ۱۱ سپتامبر و «امداد غیبی» نهفته در آن برای انحصارات تسلیحاتی و انحصارات صنعتی پیرامون آن در این بود که بتوانند بر طبل جنگ بکوبند، هدیه پسر بوش به این انحصارات، ارائه بودجه دفاعی ۳۴۵ میلیارد دلاری به کنگره امریکا و تصویب بدون مخالف آن بود. بوش می‌دانست که هیچ نماینده کنگره در شرایط پس از ۱۱ سپتامبر جسارت بیان مخالفت‌های قبلی خود را نخواهد داشت و

همه مجبور به دادن رأی سفید به این بودجه هستند. سردمداران جهان تک قطبی می‌خواهند نظمی را با تثبیت هژمونی خود در زمینه کنترل انرژی و فروش تسلیحات سامان دهند که تمامی انحصارات ملی، چند ملیتی و فراملیتی دیگر تابع و گوش به فرمان آنان باشند. به راستی عملیات خنایکارانه و ضدانسانی ۱۱ سپتامبر «مانده آسمانی» و «امداد غیبی» برای این بخش از انحصارات امپریالیستی بود. بوش به نیابت از سوی انحصارات یاد شده درصدد است تا این بحران را تا تثبیت هژمونی امریکا ادامه دهد. وی در سخنرانی خود در کنگره امریکا در روز ۳۰ شهریور ۸۰ می‌گوید: «امریکا بنیاد داند که در مبارزه با تروریسم با کمترین دراز مدت مواجه است. امریکا نباید انتظار داشته باشد که تنها یک حمله در چشم‌انداز داشته باشد. ما یک کمپین دراز مدت خواهیم داشت. نردهایی که تاکنون نمونه آن را نداشته‌ایم ... ذی باید انتخاب کند، یا با ما هستید و یا این که با تروریستها هستید، اکنون هر کشوری در هر منطقه‌ای حق انتخاب دارد. یا شما با ما هستید یا با تروریستها هستید. از امروز به بعد، هر کشوری که به پناه دادن یا حمایت از تروریسم ادامه دهد، توسط ایالات متحده به عنوان دشمن تلقی می‌شود.»

جهانی شدن، ادغام شرکت‌های بزرگ و ایجاد کمپانیهای فراملیتی، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر رشد سرمایه‌داری در مرحله امپریالیسم و در مرحله پس از جنگ سرد است. این گونه جهانی شدن همچنین به تشدید رقابت بین انحصارات و در نتیجه به بیکار سازی میلیونها کارگر در سراسر جهان به صورت عام و صدها هزار کارگر در کشورهای بزرگ غربی گردیده است.

توافق دو کمپانی عظیم هیونت پکارد HHP و کمپانی کمپاکت برای ادغام در هم و ایجاد کمپانی HHP جدید که در نیمه دوم سال ۲۰۰۲ تکمیل خواهد شد، منجر به اخراج هزاران کارگر و کارکنان این دو کمپانی خواهد گردید. در ماه ژوئیه امسال و همزمان ب کارکنان اجلاس جی ۸ در حسوای ایتالیا، خبرگزاریها از کاهش دهها هزار از کارکنان کمپانیهای بزرگ خبر دادند و بسیاری از تحلیلگران این بیکار سازی کم نظیر را «خونین» اعلام کردند. کمپانی لوسنت (Lucent)، غول تکنولوژی امریکا تا قبل از ۱۱ سپتامبر، بیش از ۲۰ هزار از کارکنان خود را اخراج نمود.

کمپانی مشهور سونیس - سوئدی ABB ۱۲ هزار نفر، کمپانی معروف ژاپنی فوجی تسو (Fujitsu) سازنده نیمه هادیها ۹ هزار نفر، خیرگزاری رویتر ۱۰۰۰ نفر، کمپانی امریکایی Ips سازنده کابلهای و دستگاههای توری ۱۶ هزار نفر، آلکاتل فرانسه ۱۴ هزار نفر، هیولت پاکارد (HP) ۶ هزار نفر و انفونسون سازنده نیمه هادیها ۵ هزار نفر از کارکنان خود را در تابستان گذشته اخراج کردند. ادغام آو ال (AOL) با تایم وارنر و ایجاد کمپانی جدید ۱۰۶ میلیارد دلاری منجر به اخراج چندین هزار تن از کارکنان این دو کمپانی گردیده است. این اخراجها فقط بخش ناچیزی از بیکارسازی در تابستان گذشته است. پس از ۱۱ سپتامبر موج جدیدی از بیکارسازی در کمپانیهای هواپیمایی به وجود آمده است. تمداد اخراجها تا مرز ۲۰۰ هزار تن خواهد رسید. هزینه جهانی شدن و نظم نوین جهانی را کارگران و مردم محروم کشورهای غربی و مردم محروم کشورهای توسعه نیافته می پردازند. این بیکارسازیهایی در شرایطی صورت می گیرد که انحصارات و کمپانیهای بزرگ هر ساله میلیاردها دلار سود به جیب خود می ریزند.

مخالفت بعضی از حکام جابر، مستبد و ارتجاعی کشورهای در حال توسعه و یا عقب افتاده یا جهانی شدن، نه به خاطر دلسوزی برای مردم کشور خود، بلکه ناشی از تنگ تر شدن حلقه محاصره سرمایه جهانی و محدود گردیدن میدان مانور این حکام برای چپاول و غارت مردم کشور خودشان می باشد. شکاف بین کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه هر روز بیش از پیش فزونی می گیرد، موج مهاجرت از جنوب به شمال افزایش می یابد، و فقر و گرسنگی فقدان آزادی و حقوق بشر مردم کشورهای در حال توسعه را تهدید می کند. در حالی که کشورهای پیشرفته یک چهارم خاک مساحت کره زمین را اشغال کرده اند، ۸۰ درصد کل درآمد جهان منعلق به آنان می باشد. و در حالی که درآمد سرانه در کشورهای پیشرفته ای مثل سوئیس، لوکزامبورگ، ژاپن، سوئد، دانمارک، نروژ، کانادا، آمریکا، آلمان، فرانسه، ایسلند، انگلستان، هلند، بلژیک و ... بر بین ۲۰ تا ۳۴ هزار دلار در سال بالغ می شود، میزان همین درآمد در بسیاری از کشورهای آفریقایی فقط ۸۰ دلار می باشد. ۶۸ درصد ثروت کل جهان، ۴۹ درصد مصرف انرژی جهان و ۱۸ درصد

تجارت جهانی فقط در اختیار کشورهای گروه جی ۷ می باشد. وجه دیگر از تحولات پس از جنگ سرد، توسعه انقلاب اطلاعات و ارتباطات و نیز آغاز انقلاب ژنتیک است. این تحولات پایه ای در نیروهای مولده، قدرت و توانایی انسانها برای غلبه بر مشکلات جهانی و برای غلبه بر فقر و بی خانمانی را افزایش داده است. مسأله اصلی و مانع عمده، مناسبات ناعادلانه کنونی در جهان ماست که مانع بهره گیری بشر از ذخائر عظیم مادی و معنوی خود به سود سعادت و رفاهای گردیده است. با این حال، انقلاب اطلاعات و ارتباطات آن چنان امکانهای در اختیار مردم محروم و نیروهای ترقیخواه مدافع آنان قرار داده که هرگز در تاریخ سابقه نداشته است. هم از این روست که حافظان نظام ناعادلانه کنونی در صدند تا غولی که خود از شیشه رها کردند را دوباره بدان بازگردانند. اما رشد سریع شبکه اطلاعات و ارتباطات نشان می دهد که تلاشهای مدافعان دنیای کهن بی نتیجه است. در حالی که پروسه فرا رونی انقلاب کشاورزی به انقلاب صنعتی از ۳ هزار سال قبل از میلاد تا سده ۱۶ میلادی یعنی حدود ۵ هزار سال طول کشید، پروسه تکامل انقلاب صنعتی به انقلاب اطلاعات و ارتباطات حدود ۳۰۰ سال وقت لازم داشت. اما انقلاب اطلاعات و ارتباطات در همین ده سال گذشته مرزهای غیر قابل تصویری را در نور دیده است. طبیعی است که ستمگران و حافظان نظام کهن، همواره با در دست داشتن نیروهای مولده و کنترل آنها، بیشترین سود را از هر تکامل در نیروهای مولده به دست آورده اند. اما وجه مشخصه انقلاب اطلاعات و ارتباطات در این است که پائینینها و نیروهای مدافع آنان به امکاناتی دست یافته اند که هرگز در گذشته نمی توانستند در اختیار داشته باشند. این رشد عظیم در نیروهای تولیدی نویدبخش دنیایی عاری از جهل، فقر، ستم، استثمار، تبعیض و بی عدالتی، دنیایی بی جنگ افزار، بی خونریزی، بی شکنجه و اعدام و دنیایی سرشار از آزادی، دموکراسی، عشق، عدالت، برابری و سعادت برای همه انسانهاست. آیا چنین دنیایی واقعیت است یا یک آرمانشهر؟

برای کسانی که به دستاوردهای عموم بشری از نگاه تنگ و قدرتمندانه خود نگاه می کنند، برای حافظان نظام کهن و مزدوران رنگارنگ آنان، برای حکام فاسد، دلالان، محتکران،

کارچاقکنها، برای گردانندگان انحصارات بزرگ و برای مافیای قاچاق مواد مخدر و ... با تصور چنین دنیایی رعشه مرگ آغاز می شود. اما برای آنها که به «انسانیت» انسان می اندیشند و برای زنان و مردان با وجدان و شرافتمندی که رمز سعادت انسان را در رفاهایی و آزادی او و در پیکار جمعی برای ساختن دنیای جدید می دانند، چنین دنیایی نه یک آرمانشهر که واقعی ترین چشم انداز است. مارکس در یکی از خطا به های خود گفت: «وجود انسانهای رنج دیده که فکر می کنند و انسانهای متفکری که رنج می برند، با این دنیای ددمنش که مایه لذت بعضی افراد مبتذل و محدودالفکر است به ناچار وارد مرحله خصومت می شود.» اکنون کسانی که می خواستند بر روی استخوانهای مارکس و میلیونها انسانی که در راه سعادت بشر تلاش کردند، مرگ را پای بگویند، با چشمهای خود می بینند که با وجود تمام قدرت و وحشیگری نمی توانند مانع تلاش انسانها برای سعادت بشر شوند. جنبشی که از سیاتل (آمریکا) آغاز شد، و در جنوا (ایتالیا) با به زمین ریخته شدن خون کارلویگولانی وارد مرحله جدید شد، نعره های مستانه پیروزمندانی که شکست سوسیالیسم را با قاطعیت اعلام کرده بودند را در کلو خفه کرد و اکنون این آنها هستند که باید کنفرانسهای خود را در نقاط دور از دسترس برگزار کنند. جنبش جهانی که از سیاتل در اواخر سال ۱۹۹۹ آغاز شد، مسیری بدون بازگشت است و تمام خصوصیات یک جنبش جدید را دارا است. در این جنبش از اتحادیه های کارگری، دهقانی، سی خانمانها، سازمانهای فمینیستی و طرفداران محیط زیست، انارشیستها، روشنفکران چپ و لیبرال، جریانات رفرمیست سوسیالیستی و جریانات رادیکال کمونیستی، سازمانها و نهادهای مدافع حقوق بشر، سازمانهای مهاجران و همجنس گرایان، بسیاری از سازمانهای مذهبی خیریه تا سازمانهای سیاسی و مذهبی ارتجاعی و ناسیونالیستی افراطی و ... شرکت دارند. عمر کوتاه این جنبش و جدید بودن آن و موانع و مشکلات بسیار که بعضی از آنان به علت خصنت پلورالیستی این جنبش (که مهمترین نقطه قوت آن است) پدید آمده، امری طبیعی است و نشان می دهد که بایدهای ارتجاعی (از هر شکل و نوع آن) و ایده های ناسیونالیستی (افراطی) (از هر شکل و نوع آن)، نمی توان به مبارزه با جهانی شدن پرداخت. اما

واقعیت مهمتر که فراموش کردن آن می تواند به بخش سوسیالیستی، کارگری و رادیکال این جنبش ضربات زیادی وارد کند، نادیده گرفتن این حقیقت است که جهانی شدن اقتصاد و وابستگی متقابل کشورها، یک ضرورت اجتناب ناپذیر در پروسه رشد و انکشاف سرمایه داری امپریالیستی از یک طرف و از طرف دیگر در پروسه تکامل نیروهای تولیدی و امری بازگشتناپذیر است. آلترناتیو پروسه جهانی شدن، ایده های ارتجاعی و ناسیونالیستی افراطی و یا ایده های نهیلیستی نیست. آلترناتیو قطعی، واقعی و علمی جهانی شدن، سوسیالیسم جهانی است. ما باید همواره تاکید کنیم که جنبه ناعادلانه جهانی شدن، مناسبات حاکم بر این جهانی شدن است و اگر این مناسبات از روابط ناعادلانه و استثمارگرانه تبعیض آمیز، ضد دموکراتیک به مناسباتی نوین فرا روید، جهانی شدن و فروپاشی مرزها و ایجاد شبکه جهانی اطلاعات و ارتباطات و ... قدرت و توانایی بشر برای غلبه بر مشکلات را میلیونها برابر افزایش خواهد داد. اعتقاد ما به آلترناتیو سوسیالیسم جهانی مانع آن نمی شود که در تلاش برای اقدامات رفاهی و اصلاحی و مبارزه برای دموکراتیزه کردن مناسبات جهانی و اقداماتی که در جهت رفع تبعیض صورت می گیرد شرکت نداشته باشیم. ما از تمامی تلاشهایی که دموکراتیزه کردن مناسبات جهانی را هدف گرفته، از تمامی تلاشهایی که برای گسترش ارزشهای عموم بشری، غیر طبقاتی و انسانی مانند مبارزه برای بهبود محیط زیست، مبارزه برای حقوق پناهندگان و مهاجران، مبارزه برای رفع تبعیض جنسی و ... صورت می گیرد باید پشتیبانی کرده و به سهم خود در این تلاشها نقش داشته و مسئولیت بپذیریم. ما همواره باید با آگاهی کامل، صف خود را هم در تئوری و هم در عمل بانیهوهای ارتجاعی مذهبی و ناسیونالیستهای افراطی و ... که به خاطر خاستگاه ارتجاعی و قرون وسطایی خود به مخالفت با جهانی سازی برخاسته اند، جدا کنیم و سرانجام باید همواره به تبلیغ و ترویج نظرات خود پیرامون مسائل ایران و مسائل جهانی در این جنبش بپردازیم و از یاد نبریم که وظیفه اصلی و تکلیف عمده ما مبارزه برای تحقق خواسته ها اساسی مردم ایران است.

شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی حاکم بر ایران

الف - شرایط سیاسی

در فاصله دو نشست شورای عالی سازمان، ما چندین بار مواضع خود پیرامون شرایط داخلی ایران، موقعیت رژیم، شرایط مبارزه مردم و موقعیت جنبش و موقعیت و وظایف سازمان را چه از طریق بیانیه‌های سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و چه از طریق تشریح دیدگاههای کل مقاومت از طریق بیانیه‌های شورای ملی مقاومت ایران، بیان کرده‌ایم. ۲۴ سال از قیام بهمن ماه سال ۱۳۵۷ و روی کار آمدن نظام استبدادی - مذهبی می‌گذرد. رژیم حاکم بر ایران به مثابه یک رژیم استبدادی مذهبی که براساس ولایت فقیه خود را سامان داده، به طور یکپارچه علیه تمامی خواسته‌های مردم ایران اقدام کرده و هم زمان دستاوردهای مردم از انقلاب بهمن ۵۷ را از آنان پس گرفت. ولایت فقیه هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی و هم در سازمانها و نهادهای حکومتی اصل اساس و قدرت اصلی است. خمینی با زیر پا گذاشتن قول خود مبنی بر برگزاری انتخابات مجلس موسسان و ایجاد مجلس خاص خبرگان به یکی از خواسته‌های اساسی و تاریخی مردم ایران، یعنی ایجاد یک مکانیسم عمومی برای استقرار حاکمیت ملی خیانت کرد. خمینی و ایادی و سرسپردگان او در مجلس خبرگان با دقت تمام اصل ولایت فقیه را در قانون اساسی تثبیت کردند و در سال ۱۳۶۷ و در هنگام مرگ خمینی این اصل در تجدید نظر در قانون اساسی باز هم مستحکمتر شد. ولایت فقیه نقش به کردش درآورنده جریان خون و تنظیم سیستم عصبی را در رژیم حاکم بر ایران ایفا می‌کند. به همین علت است که تفرق و انزجار عمومی مردم ایران از ولی فقیه و گره خوردن تمام تضاد با این نهاد ضد دموکراتیک در تمامی رویدادهای سیاسی خود را به نحو احسن نشان می‌دهد. از طرف دیگر در هنگام تصویب قانون اساسی به علت مبارزه دموکراتیک مردم ایران و فعالیت نیروهای سیاسی ترقیخواه، تنظیم کنندگان قانون اساسی به برخی از عناصر جمهوریت در قانون اساسی تن دادند. البته این مواد با چفت و بستهای محکم به وسیله مواد ۴، ۷۲، ۹۶ و ۱۱۲ قانون اساسی از طریق ولی فقیه کنترل می‌شود. با این حال همین مواد فرعی

هنگامی که تضاد بین مردم و رژیم شدت و حدت می‌یابد، سبب تشدید تضاد درون هیأت حاکمه می‌شود. برای رهایی از این تضاد بود که در اوایل سال ۱۳۷۶، هنگامی که ولایت فقیه بر سر دو راهی انتخاب ریاست جمهوری قرار داشت. نشریه شما، ارگان جمعیت مؤتلفه اسلامی در شماره ۲۱ فروردین ۷۶ خود خواستار یکدست کردن قانون گردید و نوشت «پیشنهاد می‌شود مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام با کسب اجازه از مقام معظم رهبری... چنانچه اجازه فرمودند. نام جمهوری اسلامی را به حکومت غدل اسلامی تغییر دهد.» ما بارها گفته ایم که ولایت فقیه پس از قبول آتش بس در جنگ ایران و عراق و پس از مرگ خمینی و نیز به علت تشدید تضاد بین مردم و حکومت که کانون اصلی تمام تحولات سیاسی است، دیگر نمی‌تواند اوضاع را به شرایط قبلی بازگرداند. هر عقب نشینی ولایت خامنه‌ای، مردم را در ابراز خواسته‌های خود و در پیشروی برای برچیدن بساط ننگین ولایت فقیه مصمم تر می‌کند. مردم از هر بهانه‌ای برای ابراز مخالفت با رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه سود می‌جویند. جنبش جوانان ایران که به طور گسترده این روزها در حرکت‌های اجتماعی گسترده و رادیکال پس از مسابقات فوتبال خود را نشان داده و می‌دهد یکی از این روندها است. جنبش دانشجویان و به ویژه قیام دانشجویان و جوانان ایران در تابستان سال ۷۸ و جنبشهای مردم در شهرهای مختلف و به ویژه جنبش رو به کسترش کارگری که با کامهای استوار پیش می‌رود، نشان می‌دهد که حداقل خواست مردم برچیدن بساط رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و تمامی دسته‌بندیها و باندهای درونی آن است. از طرف دیگر همین جنبشها و برخورد تمامی دسته‌بندیهای درون حکومت با آنها نشان می‌دهد که هیچ یک از جناحها و باندهای درون حکومت خواستار اصلاحات واقعی و حادی نیستند. عوام‌فریبی‌های دوم خردادیهها و شخص خاتمی که در ابتدا برای بعضی محافل سیاسی و رسانه‌های خبری جاذبه داشت، اکنون رنگ باخته است. سیاست تبدیل «معاند» به «مخالف» که در کنار سیاست کفگوی تمدن‌ها سیاست محوری خاتمی و یا بهتر بگوییم توطئه او برای در هم شکستن مقاومت مردم بود، در این مرحله شکست خورده و اکنون نه فقط هیچ «معاندی به مخالف» تبدیل نشده بلکه

نامتحمترین مکانها و دورترین محافل اپوزیسیون خارج کشوری سنگرهای نوینی را به تسخیر خود درآورده است. «ملاحظه می‌شود که دوم خردادیهها از استیصال و البته بنا به شیوه عوام‌فریبی که خصلت اصلی این جریان است و در حالی که بنا به آمار و ارزیابیهای خودشان با موجب مخالفت عمومی روبرو شده‌اند، با برچسب شورای بغداد به شورای ملی مقاومت، درصددند تا با اویزان شدن به چند «تخته پاره» که به نظر آنان «تسخیر» «سنگرهای نوین» است، اصل مسأله و نقطه گرهی مورد مناقشه و جدال را مخدوش کرده و برای خود پیروزیهای خیالی که همچون جباب با کوچکترین حرکت می‌ترکند و بخار می‌شود، بتراشند. اما این عوام‌فریبی و پیروزی تراشی در مقابل واقعیت‌های سرسخت همواره رنگ باخته و سیمای واقعی تحولات هر روز روشنتر خود را نشان می‌دهد. از این رو ما یک بار دیگر تاکید می‌کنیم که در تاثیر مستقیم سیر تحولات در جامعه ما و شدت و حدت تضاد بین مردم و رژیم، نه ولایت خامنه‌ای می‌تواند اوضاع را به قبل از ۲ خرداد سال ۷۶ و یا ۱۸ خرداد سال ۸۰ بازگرداند و نه به هیچ یک از جناحهای درون حکومت و به ویژه دوم خردادیهها و خاتمی می‌توانند در رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه اصلاح و رفرم سیاسی به وجود آورند. مردم ایران «حکومت عدل اسلامی» و «جامعه مدنی دینی» را یک جا در مبارزه جاری خود رد کرده‌اند. خواست اولیه، اساسی، مقدم و حداقل مردم ایران در شرایط کنونی، استقرار دموکراسی، برپائی حکومتی غیر مذهبی و غیر اپیدئولوژیک و استقرار عدالت است.

ب - شرایط اقتصادی

مناسبات اقتصادی حاکم بر جامعه ما، مناسبات سرمایه‌داریست. خصوصیت اصلی و بازر این سرمایه‌داری، همدستی سرمایه‌های دولتی یا تکیه بر درآمد نفت با بخش تجاری، عقب‌افتاده، انگلی، سوداگر، دلال صفت، رانت‌خوار و سود استفاده از موقعیت ویژه در عارت ثروتهای منسی و استثمار وحشیانه کارگران و مزدبگیران است. عمده درآمدهای نفتی، صرف هزینه‌های تسلیحاتی، خرید، تولید و انباشت سلاحهای کشتار جمعی (ABC)، صدور تروریسم و بنیادگرایی، سرکوب، سوداگری، رانت‌خواری و در یک کلام پر شدن کیسه «تجار محترم» و

به دست آوردن کار موجود نیست. جمعیت مهاجر از روستاها به شهرها افزایش بسیاری یافته به طوری که جمعیت روستایی ایران در سال ۱۳۶۸ به ۳۸/۱ درصد و در سال ۱۳۷۶ به ۳۸/۱ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۳۶ درصد کل جمعیت رسید.

یکی از مهمترین شاخصهای منفی مسأله جمعیتی در ایران جوان بودن جمعیت است. حدود ۶۰ درصد جمعیت در سنین پایین تر از ۲۵ سال قرار دارند. جوان بودن جمعیت ایران و فقدان سرمایه گذاری و عدم توجه به نیازهای مختلف تعداد کثیری که هر ساله آماده کار هستند، یک فاجعه انسانی بزرگ برای جامعه ما به شمار می رود. نیروی اصلی جمعیت کشور ما را بیکاران تشکیل می دهند. فقط حدود ۲۲ درصد جمعیت کشور ما به کار مشغول هستند. یعنی هر نفر کارکن باید زندگی خود و چهار نفر دیگر را تامین کند. کارکنان ایران نیز عموماً فاقد تخصص لازم کاری هستند. در ایران برای هر ۱۰۰ هزار نفر فقط ۶۰ تکنیسین وجود دارد. این رقم برای ژاپن ۳۵ هزار نفر است. در ایران برای هر صد هزار نفر فقط ۳۰۰ متخصص و کارشناس در زمینه های مختلف وجود دارد. در حالی که این رقم برای ژاپن ۵۵۰۰، برای هلند ۵۲۰۰ و برای روسیه ۱۱۰۰ نفر است.

۲- زنان

حکومت مذهبی و استبدادی حاکم بر کشور ما بی سابقه ترین ستم و تبعیض را در مورد زنان کشور به مورد اجرا گذاشته است. تبعیض صریح و آشکار در تمامی قوانین و اعمال این تبعیض به شدیدترین وجه مشخصه آشکار رژیم ولایت فقیه است. از ابتدای روی کار آمدن این حکومت، زنان جهت اصلی ضربه حکومت بوده اند. هم از این روست که زنان ایران به اشکال مختلف و در زمینه های گوناگون، هم در جنبش اجتماعی و هم در جنبش ترقیخواه و جنبش مقاومت به طور اعجاز آمیز در مقابل حکومت استبدادی کمر بسته اند. براساس آمار اعلام شده از طرف سازمان توسعه انسانی ملل متحد (UNDP) ایران از نظر شاخص توسعه در رابطه با جنسیت در ردیف ۹۲ قرار دارد. در حالی که ما شاهد افزایش رو به افزایش زنان ایران به آموزش، هنر، ورزش و فرهنگ هستیم، اشتغال زنان نسبت به سالهای قبل از انقلاب کاهش یافته است. بنا به

ج- شرایط اجتماعی
رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه شرایط اجتماعی فاجعه باری را به مردم ایران تحمیل کرده و می کند. بر اساس شاخص کلی توسعه که هر ساله سازمان توسعه انسانی ملل متحد (UNDP) منتشر می کند، ایران از نظر توسعه انسانی در ردیف ۷۸ قرار دارد. متوسط رشد سالیانه هزینه های آموزشی نسبت به تولید ناخالص داخلی، طی دوران پس از انقلاب سالانه به طور متوسط رشد منفی ۰/۳۸ درصد داشته است. این رقم برای هزینه های بهداشتی به طور متوسط هر ساله ۴/۷ درصد رشد منفی است. در حیات جمهوری اسلامی علاوه بر جنگ خانمانسوز ۸ ساله، دهها هزار تن از زنان و مردان ایران زمین در زندانهای سیاسی جمهوری اسلامی اعدام شده اند. قتل عام زندانیان سیاسی، قتلهای سیاسی زنجیره ای، قتلهای زنجیره ای زنان، ترورهای سیاسی ایرانیان در خارج از کشور، سرکوب کارگران، زنان و جوانان که به طور روزمره ادامه دارد از مشخصات بازار شرایط اجتماعی ایران است. طی چهار سال گذشته ۵۳ نفر به توفیق شده اند. صدها تن از فعالان سیاسی وابسته به حکومت و هزاران تن از زنان و مردان ایرانی که برای استقرار دموکراسی و عدالت مبارزه می کنند دستگیر شده اند. در زمینه اجتماعی مسائل گوناگونی وجود دارد که ابعاد فاجعه آمیز جامعه ایران را به نمایش می گذارد که در این گزارش به سه مورد اساسی آن به طور مختصر اشاره می شود.

۱- بحران جمعیت:

جمعیت ایران که در سال ۱۲۸۰، یعنی صد سال قبل حدود ۸/۶ میلیون نفر بود، در آستانه جنگ جهانی دوم به ۱۴/۹ میلیون نفر که ۷۵/۲ درصد آن در روستاها بودند، افزایش یافت و در آستانه انقلاب بهمین به حدود ۳۲ میلیون نفر فزونی گرفت. حکومت خمینی پس از به قدرت رسیدن در جهت سوء استفاده از نیروی انسانی و برای اهداف توسعه طلبانه و تجاوزگرانه خود به تشویق مردم برای داشتن هر چه بیشتر فرزند پرداخت و بدین ترتیب رشد جمعیت به طور فاجعه بار به ۳/۳ درصد رسید و سبب آن شد که جمعیت ایران در سال ۱۳۸۰ به حدود ۷۰ میلیون تن برسد. در حقیقت جمعیت ایران طی یک صد سال گذشته بیش از ۸ برابر شده است. علاوه بر این، در حالی که برای افرادی که از نظر سنی وارد بازار کار می شوند، امکان

در حالی که نقدینگی بخش خصوصی در سال ۱۳۴۱ معادل ۱۴۴ میلیارد ریال، و در سال ۱۳۵۱ برابر با ۴۰۰ میلیارد ریال بوده و در سال ۱۳۵۷ این رقم به حدود ۲/۵ هزار میلیارد ریال افزایش یافته، طی سالهای پس از انقلاب این افزایش ابعادی بسیار فزاینده تر از حد تصور یافته است. حجم نقدینگی بخش خصوصی که در سال ۱۳۶۰ معادل ۵/۱ هزار میلیارد بوده در سال ۱۳۶۷ به بیش از ۱۵/۶ هزار میلیارد رسیده است، این رقم در سال ۱۳۷۲ معادل ۴۷/۵ هزار میلیارد ریال و در سال ۱۳۷۷ به رقم ۱۷۰/۷ هزار میلیارد ریال و در سال ۷۹ به رقم بی سابقه ۲۵۶/۱ هزار میلیارد ریال رسیده است. چنین رشد سرسام آوری در نقدینگی بخش خصوصی به عنوان یکی از شاخصهای مهم اقتصادی، نشان دهنده میزان چپاول و غارتگری سران حکومت و متحدین بازاری و دلالان، سودگران و اقزاده های آنان است.

در حالی که در زمینه شاخص های سرمایه گذاری، ایران یکی از عقب افتاده ترین کشورهاست. در زمینه انباشت نقدینگی بخش خصوصی و رشد سالانه آن رکورد غارتگری و چپاولگری در جهان را شکسته است. علاوه بر سقوط درآمد سرانه، کاهش سرمایه گذاری و رشد نقدینگی بخش خصوصی، که تمام فشار و بار آن را مردم تحمل می کنند، در نمودارهای دیگر نیز اقتصاد ایران با وضع فاجعه بار روبروست. در حالی که هر ساله حداقل ۸۰۰ هزار تن وارد بازار کار می شوند، قدرت جذب بازار کار ایران حداکثر ۳۰۰ هزار تن است و تازه در این زمینه نیز قدرت خرید نیروهایی که به کار مشغولند روز به روز کاهش پیدا می کند. رژیم ایران با تاراج منابع ملی و تن دادن به قراردادهایی ننگین با کمپانی های نفتی. تنها به فکر بقاء خود می باشد. در تاریخ حکومت های ایران، هیچ گاه این میزان از اختلاس دزدی، رانت خواری، رشود خواری و یغماگری سابقه نداشته است.

در مقابل چنین شرایط بحرانی و در برابر چنین رژیم ستمگری، مردم ایران البته سکوت نکرده و نخواهند کرد. مبارزه روزمره کارگران، مزدگیران و مردم محروم در سراسر کشور، شکل و محتوای این مبارزه نشان می دهد که مردم ایران نمی خواهند تن به ذلت و خواری و یغماگری حکومت دهند.

طرفداران «سلام عزیز» و البته اقزاده های آنان می گردند، سهم مردم در این میان چیزی جز فقر، بی خانمانی، اعتیاد، فحشا، بیکاری و مهاجرت و در بدری نیست. تمام شاخصهای مهم اقتصادی نشان می دهد که بحران اقتصادی در ایران، بحرانی عمیق، نهادینه شده و ساختاریست.

طی سالهای پس از انقلاب بهمین ۵۷ رشد تولید ناخالص داخلی ایران در مقایسه با رشد تورم سیر نزولی داشته و در نتیجه درآمد متوسط سرانه مردم همواره کاهش پیدا کرده است. در حالی که متوسط رشد تولید ناخالص داخلی طی سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷ حدود ۱۲/۴ درصد بوده است، پس از انقلاب تا سال ۶۸ (سال مرگ خمینی) این رشد همواره با نوسان و ناموزونیهای فراوان به طور ممتد کاهش یافته و در سال ۱۳۷۷ این رقم با به ۱/۸ سقوط کرد. این در حالی است که طی این سالها تورم همواره رشد داشته و در هیچ سالی کمتر از ۲۰ درصد براساس ارقام و آمار دولتی نبوده است. تولید صنعتی در ایران با وضع فاجعه بار روبروست. تعزیمی هر چه بیشتر کارخانه ها و بیکار شدن کارگران و کارکنان آنان نشان دهنده آن است که منابع مالی به جای سرمایه گذاری در بخش صنعت و تولید، در راههای غیر اقتصادی که فقط سران رژیم و مشتاقان دلال، اقزاده و سوداگر از آن سود می برند به کار برده می شود. از نظر اقتصادی یکی از مهمترین شاخصها، به خصوص برای کشورهای در حال توسعه نسبت سرمایه گذاری صنعتی به تولید ناخالص داخلی است. در حالی که این نسبت در سال ۱۳۵۵ برابر با ۳۲ درصد بوده، در سال ۱۳۷۲ به ۱۰/۶ درصد کاهش پیدا کرده است. در حالی که حجم کل سرمایه گذاری در سال ۱۳۵۵ به قیمت ثابت سال ۶۸ برابر با ۳۰۵ میلیارد ریال بوده در سال ۱۳۷۳ این رقم به قیمت ثابت همان سال، به ۵۰ میلیارد ریال نزول پیدا کرده است. پایین تر بودن رقم سرمایه گذاری نسبت به نرخ تورم، بیان استهلاک صنایع، فرسوده شدن این صنایع و غیر مفید بودن آن است. سران رژیم و ایدای آنان مثل خوره سه جان صنعت ایران افتاد و آن را از درون پوک و غیر مفید کرده اند و هزینه چنین یغماگری را کارگران و کارکنان کشور ما با گرسنگی خود پرداخته و می پردازند. رشد تصاعدی و عظیم نقدینگی بخش خصوصی این چپاولگری را به نحو احسن نشان می دهد.

قتلهای زنجیره‌ای زنان و ... و معرفی آمران و عاملان می‌باشیم.

هـ - جمع‌بندی، چشم‌انداز

در مقابل بحران کنونی، آثار و عواقب آن که مردم ایران به ویژه کارگران، کارکنان، مزدبگیران، زنان، جوانان و ... به طور روزمره هزینه آن را می‌پردازند، هیچ نیروی ترقیخواه و مردمی نمی‌تواند و نباید سکوت کند. گرایشات و دسته‌بندیهای مختلف تأثیر گذار در رویدادهای سیاسی هر یک بنا به مصالح، منافع و مضامع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی خود برای غلبه بر این بحران راه‌هایی ارائه می‌دهند. راه حل ولی فقیه و جناح طرفدار «حکومت عدل اسلامی» که مبتنی بر بازگرداندن شرایط به قبل از ۲ خرداد سال ۱۳۷۶ است، امری غیر قابل محتمل است. دوم خردادیها و خاتمی به علت مشارکت مداوم در اعمال سیاستهای رژیم و منافعی که در حفظ ولایت خامنه‌ای دارد، نمی‌توانند و نمی‌خواهند که در جهت انجام اصلاحات اساسی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی گام بردارند. همان گونه که بارها گفته‌ایم خاتمی نه یک اصلاح طلب واقعی، بلکه یک «اصلاح طلب جعلی و قلابی» است. تنها کسانی راضی توان اصلاح طلب واقعی نامید که در جهت حذف نهاد ولایت فقیه و انجام انتخابات آزاد و استقرار یک حکومت عرفی گام بردارند. واقعیت این است که جریان رفرمیستی به طور اجتماعی وجود دارد اما فاقد هر گونه نماینده سیاسی اعلام شده می‌باشد. از این رو تنها چشم‌انداز واقعی، جدی و در جهت منافع مردم کسترش مبارزه برای سرنوشتی ولایت فقیه و تمامی دسته‌بندیها و باندهای دروسی آن و استقرار حکومتی پلورالیستی، دموکراتیک، عرفی و عدالت طلب است. از این رو ما یکبار دیگر بر این سیاست مترقی و انقلابی و بر سیاست مشارکت در شورای ملی مقاومت و تقویت این شورا به مثابه آلترناتیو دموکراتیک و موجود رژیم استنادی مذهب حاکم تأکید می‌کنیم.

ما تمامی کمونیستهای ایران را به پیوستن به صفوف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران فرا می‌خوانیم.

پیروز باشید.

۱۱ آبان ماه ۱۳۸۰

۲ نوامبر ۲۰۰۱

کشورهای اسلامی می‌داند و هدف آن ایجاد «اتحاد جماهیر کشورهای اسلامی» است. این سیاست توسعه طلبانه، عظمت طلبانه، برتری جویانه و فاجعه‌آمیز تاکنون ضربات زیادی به رشد و توسعه جامعه زده و مردم ما را از بسیاری از امکانات مساعد بین‌المللی محروم کرده است. راهکارهای عملی در این سیاست بر محور صدور تروریسم و بنیادگرایی اسلامی با بنده بستانها، ساخت و پاختهای پشت پرده و استفاده از اهرم بنیادگرایی اسلامی برای باج‌گیری تعیین می‌شود. اما در عمل قدرتهای بزرگ بنا به منافع اقتصادی و یا بهتر بگوئیم «تجارت خون» بادر پیش گرفتن سیاست ممانعت، چشم بر هم گذاشتن و استعانت، رژیم ایران را وادار به امضاء ننگین ترین قراردادهای کرده‌اند. هم مردم ایران و هم مردم کشورهای مسلمان، بارها از سیاستهای رژیم تروریستی و بنیادگرایی حاکم بر کشور متحمل ضربات بسیار شده‌اند که نمونه برجسته آن ضرباتی است که رژیم ایران به جنبش مردم فلسطین برای ایجاد کشور مستقل فلسطین زده است. چنین سیاستهایی از جانب مردم ایران و نیروهای ترقیخواه بارها مردود اعلام شده است. رژیم ایران غیرنرم ناتوانیهای کنونی اش، کانون اصلی و مغز بنیادگرایی اسلامست. هدف سیاست ماجراجویانه و مرزواقیه رژیم ایران که اکنون از طرف محافل قدرتمند درون بیت رهبری و با پول «استان قدس رضوی» پیرامون مسأله بن لادن و طالبان رهبری و سازماندهی می‌شود و بال و پر دادن به گلبدین حکمتیار که یکی از سران مافیای مواد مخدر و یکی از پشتیبانان مهم طالبان است این است که بتواند در اشفته‌بازار کنونی و از نماد ریخت و پاشهای جنگی که جریان دارد برای ولایت فقیه کلاه جدیدی بنوزند. گرچه به نظر ما ادامه این سیاست مزورانه خوردن از «توپره و آخور» در شرایط حساس کنونی برای رژیم مشکلات اساسی ایجاد می‌کند. اما بدون شک سکوت و یا چشم هم گذاشتن در مقابل این سیاست، باز هم ضربات بسیار به مردم کشور ما و مردم ستمدیده کشورهای منطقه خواهد زد. ما همچنان برای خنثی کردن سیاستهای تروریستی و صدور ارتجاع رژیم ایران، خواستار طرح مسأله رژیم ایران و رسیدگی به اعمال و رفتار آن در شورای امنیت ملل متحد و اعزام یک هیأت تحقیق بین‌المللی برای بررسی قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای، قتل عام زندانیان سیاسی،

فرسایش خاک در ایران ۱۰ تن در هر هکتار است. این مقدار فرسایش خاک حتی از مقدار فرسایش خاک در عقب‌افتاده‌ترین کشور قاره آفریقا که ۷ تن در هر هکتار است بیشتر است. مقدار فرسایش خاک در آمریکا ۰/۴ تن در هر هکتار و در اروپا ۰/۶ تن در هر هکتار است. نابودی مراتع و فقدان ابراههای مناسب برای هدایت آب جاری شده از بارندگیها، سبب جاری شدن سیل‌های بنیان کن در ایران شده که زندگی چند صد هزار ایرانی را سالانه به تهامی می‌کشد و بر مقدار فرسایش خاک نیز می‌افزاید. از مجموع ۱۲۰ میلیارد مترمکعب آب قابل دسترس در ایران، ۵۰ میلیارد مترمکعب آن به دریاها می‌ریزد و ۵۰ میلیارد مترمکعب دیگر نیز به علت عدم برنامه‌ریزی صحیح به هدر می‌رود و فقط ۲۰ میلیارد مترمکعب از آبهای قابل دسترس به طور ناقص مورد استفاده قرار می‌گیرد. بی‌آبی اکنون به یک معضل بزرگ اجتماعی تبدیل شده و مثل بقیه موارد این مردم ایران هستند که باید هزینه سیاستهای ارتجاعی ایران رژیم را بپردازند. علاوه بر موارد بالا، سیاستهای رژیم در زمینه دستیابی به تسلیحات اتمی، شیمیایی و میکروبی که در مورد اونی تحت پوشش دستیابی به انرژی اتمی در جریان است، سبب تعمیق هرچه بیشتر بحران محیط زیست و فجاج زیست محیطی در آینده خواهد شد. در حالی که هیچ تضمین علمی و قابل قبول و براساس استانداردهای بین‌المللی برای راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر وجود ندارد. سران رژیم همچنان با تاراج منابع ملی کشور ما درصددند تا با استفاده از تکنولوژی روسیه او یا به بیان دیگر تکنولوژی چرنوبیلی این نیروگاه را راه‌اندازی کنند. خطر نشست موارد رادیو اکتیو از این نیروگاه کمترین تهدیدی است که حان صد هزار نفر از مردم ایران را تهدید می‌کند.

د- سیاست خارجی

سیاست خارجی رژیم ولایت فقیه که توسط خمینی تدوین و بارها از طرف سران رژیم به نحو بارز و صریح اعلام شد، مبتنی بر تقویت پایه‌های نظام مذهبی ولایت فقیه، صدور تروریسم و بنیادگرایی اسلامی است. این سیاست گرچه به علت ناتوانیهای کنونی رژیم که جزئی از بحران و بن‌بست کل رژیم است با چالشهای فراوان روبرو شد، ولی در اساس در آن تغییریری حاصل نشده است. رژیم ایران خود را «ام‌القرای»

آمار دولتی در سال ۱۳۴۵ معادل ۹/۲ درصد زنان به کار مشغول بوده‌اند. این رقم در سال ۱۳۵۵ به ۱۲/۹ درصد رسید. اما پس از انقلاب نسبت اشتغال زنان کاهش پیدا کرد و در سال ۱۳۶۵ به ۸/۲ درصد و در سال ۱۳۷۰ به ۸/۹ درصد رسید. میزان اشتغال زنان هموز هم به رقم ناچیز ۱۲/۹ درصد که ۲۵ سال قبل زنان به آن دست یافته بودند، نرسیده است.

مشارکت زنان ایران در زمینه‌های مهم سیاسی بسیار ناچیز است. تبلیغات میان تهمی و عوامفریبانه دوم خردادیها با آمار و ارقام خودشان رنگ می‌بازد. زهرا شجاعی مشاور خاتمی و رئیس مرکز آمار مشارکت زنان اذعان می‌کند که تنها ۵/۲ درصد از مدیران ارشد حکومت را زنان تشکیل می‌دهند.

اما همان گونه که گفتیم در مقابل سیاستهای فاجعه‌بار رژیم که می‌توان آن را حاکمیت «آپارتاید جنسی» نامید، زنان ایران هیچ گاه تسلیم نشده و همواره به اشکال گوناگون و در زمینه‌ها و حوزه‌های مختلف به مبارزه برخاسته‌اند. به نظر ما، همانگونه که در منشور سازمان گفته‌ایم هسته اصلی و مسأله محوری تمییز در مورد زنان منکی بر چند مسأله به هم پیوسته «کار خانگی» و «تلقی خانواده به مثابه سلول اصلی جامعه» و «مشارکت» است. مبارزه زنان ایران با کامهای استوار و متمدن برای حل این موارد گرهی و به هم پیوسته می‌تواند نقش مهمی در توسعه پایدار، دموکراتیک و مسورون کشور ما داشته باشد.

۳- بحران محیط زیست

ایران یکی از بدترین نمونه‌ها در حیطة حفظ محیط زیست به شمار می‌آید. طی دوران حکومت جمهوری اسلامی آن چنان ضرباتی به محیط زیست کشور ما وارد شده که هیچ تهاجم عنان گسیخته خارجی و یا آسیب‌ها و عوارض مهم و گسترده طبیعی هم نمی‌توانست چنین تأثیری در تخریب محیط زیست کشور ما داشته باشد.

فرسایش خاک، نابودی جنگلها و غلب زارها، هدر رفتن آبها، آلودگی هوا، نابودی تالابهای مهم، مصرف بی‌رویه انرژی و مهمتر از همه رشد بی‌رویه جمعیت از مهمترین موارد بحران محیط زیست در ایران است.

از سال ۱۳۵۷ تاکنون نزدیک به ۶۰ درصد جنگل‌های ایران نابود شده است.

قطعه نامه مصوبه شورایی عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون سیاست و جهت گیری بین المللی

۱- سیاست بین المللی سازمان تابع منشور آن و در جهت تحقق اهداف سازمان می باشد.

۲- سازمان رابطه ی مستقیم و برابر با کلیه نیروها، نهادهای، ارگانها، احزاب و دولتها در پهنه ی بین المللی (بجز نیروها، نهادهای، ارگانها، احزاب و دولتهای فاشیست، نژادپرست و بنیادگرایی مذهبی) را حق خود می شمارد.

۳- دکنترین روابط بین المللی سازمان، براساس شاخص های ایدئولوژیک تدوین و تنظیم نمی شود.

۴- سازمان در پروسه صلح فلسطین و اسرائیل، اصل دو خلق و دو دولت را می پذیرد و معیار اعتبار و پیشرفت روند صلح را ایجاد کشور مستقل فلسطین می داند. در این راستا سازمان، احزاب و جریانات صلح طلب اسرائیلی را با خود در مبارزه برای صلح همراه دانسته و خواهان روابط نزدیکتر با آنان می باشد.

۵- سازمان خود را بخشی از جنبش سراسری علیه جهانی سازی می داند و در این راه خواهان مداخله و برنامه ریزی مشترک و همگانی با کلیه احزاب و نیروهای مترقی این جنبش است.

۶- سازمان داوری خود پیرامون دولتها و احزابی که خود را سوسیالیست یا کمونیست معرفی می کنند را براساس میزان وجود دموکراسی، رفاه اجتماعی و رعایت حقوق بشر برای کارگران، زحمتکشان و مزدبگیران، شکل می دهد.

۷- سازمان سیاست های جنگ طلبانه برای کنترل جهان را مردود شمرده و مبارزه ی بی کبر برای صلح را جزء تفکیک ناپذیر سیاست خارجی خود می داند. سازمان پشتیبانی از تلاش ها و اقدامات صلح طلبانه را کامی مهم در عینیت بخشیدن به این امر ارزیابی می کند.

۸- سازمان در مناسبات بین المللی و در برابر ارگانهای اعمال قدرت مستقیم سرمایه داری همچون ناتو، بانک جهانی، کنفرانس سمران ۸ کشور و جز آن، خواستار بازگرداندن نقش اصلی "جامعه متقنا" به سازمان منحل متحد و اجرا و رعایت بدون تبعیض و تعهد آور میثاق های فراقشوری آن است.

تفسیر خبری هفه

بقیه از صفحه ۲

همچون دوائر "امر به معروف و نهی از منکر"، گشت های "خواهران زینب" و "نارالله"، اوباشان بسیجی و مونورسوار و جز آن، بیانگر این حقیقت بود که حکومت برداشت ساده لوحانه ی خویش پیرامون برخورد به زنان را از چگونگی تمهیم هنجارهای اخلاقی - رفتاری، به سود گسترش سرکوب بطور عام و از کانال آنها، تغییر داده است. یورش های دوره ای و متناوب به زنان در آغاز یا به هنگام شکل گیری جنبش های اعتراضی، حاکی از تبدیل چشم اسفندیار شریعت به کاتالیزاتور اعمال اقتدار آن است!

از سوی دیگر پذیرش دردناک حضور یک جنبش نیرومند اجتماعی، متشکل از زنان، بسرای حکومت همزمان به مفهوم گریز ناپذیری از اتخاذ راهکارهای ایجابی به منظور مهار ساختن و مطلوباً انحراف آن نیز بود. چیزی که با توجه به ظرفیت بنیادی حکومت و ارزش ها و معیارهای رسمیت یافته آن، بسیار دشوارتر از آن چه که می نمود، می توانست باشد. نمایش انتخاباتی و سرگرم کننده آقای خاتمی که در محورهای تبلیغاتی خود، مکانی را هم به زنان اختصاص داده بود، برای جمهوری اسلامی یک پرش بزرگ از سطح بیابان به زیر خیمه محسوب می شد. گویانکه مصحح اجباری نظام، بعدها و به هنگام انتخاب اعضای کابینه خود، به قدم زدن سالانه در صحسرای خالی استانداردهای مذهبی اش بازگشت. بنابراین جای هیچ شگفتی نمی توانست وجود داشته باشد اگر اقدامات

رفرمیستی حکومت در این زمینه، از مرز سنت شکنی دختر دوچرخه سوار حجت الاسلام رفسنجانی، افزودن چند ملای چادری به شمار نمایندگان مجلس و انتصاب یکی دیگر از همین رسته به پست معاونت بدون حوزه اجرایی، فراتر نرفت.

اکنون و پس از برگزاری المپیک (خصوصی) زنان کشورهای اسلامی، به نظر می رسد اشتباهی جمهوری اسلامی برای ابزار سازی از زنان در محیط های ورزشی تحریک شده باشد. اما دادن اجازه به زنان ایرلندی برای تماشای مسابقه ی فوتبال، تنها می تواند یک حسابگری ناشیانه از سوی پایوران حکومت محسوب شود. زیرا در حالیکه زنان کشور از حضور در اماکن ورزشی منع شده اند، رفع همین ممنوعیت در مورد اتباع خارجی، نژد هیچکس به منزله بهبود وضعیت زنان و تغییر رویکرد جمهوری اسلامی تلقی نخواهد شد. بسا بیشتر، بازتاب گسترده این رویداد، رویه ی حکومت و تناقضاتی که به خاطر ترمیم حیثیت نازل بین المللی خویش متحمل می گردد را، به گونه واضح تری برجسته می نماید. در همین رابطه یک گزارش خبرگزاری فرانسه، در تاریخ ۲۵ سپتامبر، که به مشاهدات و تجربیات تماشاچیان زن ایرلندی اختصاص یافته است، می تواند برای حکومت و نوآوری های بعدی آن بسیار عبرت امیر باشد.

زنان میهن ما از طریق پیگیری خواست حضور در میدان ورزشی، توپ را به زمین مالاها باز خواهند گرداند. و این بی گمان آخرین بازجست آنها نخواهد بود.

۲۹ آبان ۱۳۸۰

یادداشت و گزارش

بقیه از صفحه ۱۳

رأس آن آخوند ابله خود شیفته یی قرار گرفته که خودش را حق مطلق و دیگران را باطل مطلق می داند و با خودکامگی برای ملتی تکلیف تعیین می کند، و کسی حق انتقاد از او ندارد، دنبال محمل و فرصت برای تجمع و اعتراض است. به همین سبب مسابقات فوتبال بهترین فرصت است. حال دیگر شکل اعتراض بستگی به شرایط مقطعی دارد. در پیروزیها با رقص در باختم با شیشه شکستن، در پیروزیها، اگر بسیج و نیروی انتظامی مزاحم رقص شد، آنوقت شیشه شکستن به برنامه افزوده می شود. به خاطر همین است که اخیراً دست اندر کاران مسائل امنیتی رژیم به ناچار تن به عقب نشینیهایی در برابر جوانان دادند و قصد داشتند در صورت برنده شدن تیم ایران در برابر تیم امارات برنامه نور افشانی در چند میدان در تهران برگزار کنند که اوضاع طور دیگری شد. همچنان که در مورد برگزاری چهارشنبه سوری نیز رژیم ناچار به عقب نشینی در برابر جوانان شد. خمینی می گفت: «ما ملت گریه سیاسی هستیم این گریه ها ما را نجات داد». این آخوند پلید زنده نماند تا ببیند که «ملت گریه سیاسی» که او می گفت برای «اسلام خون داده و جوانهایش را داده» حالا با ۳۰ میلیون جوان زیر ۲۳ سال ملت «رقص سیاسی» شده است و به روی جانشین او تف می اندازد. گرچه اگر او زنده بود، به صورت خود او تف می انداختند. آخر دین این مردم و فرهنگ این مردم با آنچه آخوندها به مردم تحمیل می کنند در تضاد و تضاد است. همانگونه که حافظ این شورشگر شیخ و آخوند ستیز و روح زیبایی فرهنگ ایرانی، با دین و فرهنگ نیاکان خمینی و خامنه ای و خاتمی در تضاد بود، او هم به کارهای منکراتی، که تعزیر در پی

داشت علاقه نشان می داد: «دانی که چنگ و عود چه تقریر می کنند/ پنهان خورید باده که تعزیر می کنند». چه هم ارثی است که نسل جوان از حافظ برده است. چون همو از جمله گفته است:

مغنی کجایی به کلبانگ رود
به یادآور آن خسروانی سرود
که تا وجد را کارسازی کنم
به رقص آیم و خرقة بازی کنم
چنان برکش آواز خنیاگری
که ناهید چنگی به رقص
آوری

مغنی بساز آن نو آیین سرود
بگو با حرفیان به آواز رود
مرا بر عدو عاقبت فرصت
است
که از آسمان مژده نصرت
است

آخر نیاکان این نسل با نیاکان خامنه ای و روضه خوانها یکی نیست. روضه خوانها از آن خونخواران و غارتگران تاریخ که ایران را مورد یورش و تاراج قرار دادند و دست به ویرانی و کشتار زدند آرث می برند. اما آنها از مزدک و بانک و فردوسی و حافظ و خیام، در جدال با آخوندهای ددمنش سر انجام پیروزی از آن مردم ایران، به ویژه نسل جوان حاضر در عرصه پیکار است.

دولت یوگسلاوی
مجازات اعدام را
ملغی کرد

رادیو آلمان ۱۵ آبان: دولت یوگسلاوی به علورقطعی مجازات اعدام را در این کشور ملغی کرد، پس از مجلس نمایندگان مجلس دیگر پارلمان یوگسلاوی نیز مجموعه جدید قوانین جزای کشور را تصویب کرد که در آن به جای مجازات اعدام حبس به مدت ۴۰ سال پیش بیبی شده است. طبق قوانین جدید پس از این اتابع یوگسلاوی را می توان به دادگاههای خارجی نیز تحویل داد مشروط بر اینکه این دادگاهها از طرف یوگسلاوی به رسمیت شناخته شده باشند.

یادداشت و گزارش

اش. مفسر
otanes_mofaser@hotmail.com
عقب نشینی رژیم در برابر
جوانان

نسل جوان - یا آن طور که رژیم مایل است نامگذاری کند، «نسل دوم انقلاب» نه تنها هیچ رقبتهایی به «ارزشهای انقلاب اسلامی و نظام» یعنی مرگ اندیشی و کهنه پرستی و پیروی از ولایت و خط و نشان کشیدنیهای بی ربط به این یا آن کشور نشان نمی دهد، بلکه با این ارزشها و به ویژه با ستون خیمه نظام یعنی ولایت فقیه و مظهر آن یعنی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای امید مستضعفان جهان به مقابله برخاسته است. تظاهراتی نیست که راه بیفتد و در آن جوانان با دادن شعارهایی پای مقام معظم رهبری را به میان نکشند و احساسات ممنوعه خود را نسبت به او، در قالب آن شعارها بیان نکنند. شعارهایی که دلمان می خواهد آنها را بنویسیم ولی نمی شود. کافیست یاد آوری کنم که یکی از آنها قسمت اولش توپ تانک فشفشه است و قسمت دومش همان است که خرم آبادیها ساخته بودند و بر وزن قسمت اول است و عفتی را به خامنه ای نسبت داده بودند. اکنون مسابقات فوتبال درد سر بزرگی برای رژیم شده است. اگر تیم ایران برنده شود جوانان به خیابانها می ریزند و به رقص و پایکوبی می پردازند؛ نیروی انتظامی و «لباس شخصیه» و بسیجیها وارد عمل می شوند که جلوی این کارهای «منکراتی» را بگیرند، جوانان با آنان به رویارویی می پردازند، جنگ و گریز و شکستن شیشه ساختمانهای دولتی و بانکها از یک سو و دستگیری جوانان و نوجوانان از سوی دیگر از نتایج فوری آن است. اگر تیم بیازد بازهم به خیابان می ریزند این دفعه نه برای رقص بلکه از اول برای شعار دادن علیه «مفسدات» جمهوری اسلامی - که همگان می دانند مقام ولایت هسته مرکزی این مفسدات است - و سایر مقامات و «نهادهای انقلابی». لابد این جوانان بعد از آن که با شکستن چند شیشه و احتمالاً آتش زدن چند خودرو نیروی انتظامی، خوب دلشان خنک شد وقتی به خانه برگشتند تازه شروع می کنند به رقصیدن، این بار برای پیروزی خودشان در یک جنگ و گریز خیابانی. پدیده تظاهرات خیابانی بعد از مسابقات فوتبال گرفتاری بزرگی است که سران و دست اندر کاران رژیم روضه خوانها نگاه یکسان و ارزیابی

یکسانی از آن ندارند. جناح هار البته دچار سر در گمی نیست. این جناح پیوسته با به کار گرفتن تئوری توطنه در تحلیل رویدادهای اجتماعی و فرهنگی، در عمل سرکوب گسترده را چاره ساز می داند، روشی که دستگاه قضایی رژیم که حافظ منافع این جناح و کیان ولایت فقیه است، بی وقفه آن را به کار گرفته و می گیرد. مثلاً میشری رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تهران ضمن اعلام خبر دستگیری «حزبکین اصلی اوباشگری» در تظاهرات بعد از مسابقه ایران و عراق گفت: «در حوادث چند شب گذشته کاملاً محرز بود که شبکه تلویزیونی که در اختیار عناصر ضد انقلاب ایرانی مقیم آمریکا می باشد، در تحریک نو جوانان به طور مستقیم وارد عمل شدند و از احساسات جوانان علاقمند به ورزش جهت مقاصد شوم خود استفاده کردند (رسالت آبان). اما در جناح ۲ خردادی نگاه یکسانی به این پدیده دیده نمی شود. خاتمی رئیس جمهوری رژیم ضمن قائل شدن حق ابراز شادمانی برای جوانان، اوباشگری را محکوم و بر رویا رویی با آن تاکید کرد. اما وزیر کشور و وزیر اطلاعات و یکی از مشاوران خاتمی نظر دیگری ارائه کردند. موسوی لاری وزیر کشور در مراسم معرفی استاندار جدید کرمان گفت: «با زدن و بستن ... برخوردی فیزیکی مشکل فاصله نسلی حل نمی شود... اینها بچه های انقلاب هستند، دلسوزان جامعه بیاندیشند که چرا این حوادث روی داده ...» روزنامه رسالت ۵ آبان وزیر کشور را مورد انتقاد قرار داد که چرا خلاف نظر رئیس جمهوری اظهار نظر کرده است. یونسی وزیر اطلاعات رژیم که به نوشته نوروژ ۱۲ آبان با لباس میدل در «شادیهای بعد از مسابقه فوتبال» حضور یافته، و «رفتار نشاط آور جوانان» را مشاهده کرده بود تاکید کرد: «که اکثر دستگیر شدگان بی گناه هستند» وی مدعی شد که «رفتار جوانان نه تنها سیاسی نبود و آشوب طلبانه نبود بلکه حتی سمت و سوی سیاسی نیز نداشت پس لازم است که بی جهت شادی جوانان پاک را به سمت و سوی مسائل سیاسی نکشانیم». اما تاجیک مشاور خاتمی در میزگردی با شرکت مدیران و سر دبیران و خبرنگاری رژیم، در مورد نا آرامیهای بعد از مسابقه نظر متفاوتی ارائه کرد. وی که «استاد دانشگاه شهید بهشتی» - دانشگاه ملی سابق - است گفته است: «برای تحلیل تجمعات مردمی نظیر تجمعات پس از مسابقه فوتبال، باید تنورهای مختلف را به کنار گرفت

... کمتر تردیدی وجود دارد که چهره برجسته چنین رفتاری، چالش، یا ستیزش گرایانه و اعتراض گونه و به یک معنا سیاسی است. این روزها از مقامهای بسیاری می شنویم که این پدیده سیاسی نیست، در حالی که در شرایط جدید تعریف سیاست در حال عوض شدن است نه این که پدیده سیاسی نیست، بلکه پدیده سیاسی قالب اجتماعی به خود گرفته است. بنابراین حرکتیهای اخیر نیز چهره های خاص سیاسی دارند [...] در این گونه پدیدهها این آمادگی و این استعداد وجود دارد که کوچکترین انگیزه و انگیزه می تواند ایجاد بحران کند و به سرعت هم خصلت حاد اعتراض امیز و خشونت امیز و ناهنجار پیدا کند» (کیهان ۱۵ آبان). حتماً وزیر کشور و وزیر اطلاعات رژیم بیشتر و قبل از دیگر سایر مقامات رژیم در جریان شعارهای داده شده در تظاهرات قرا می گیرند، اما این گونه موضع گیری آنها نه از سر محبت و علاقه به جوانان بلکه تلاشی برای حفظ آبرو و «کیان نظام» است. چون اولاً آنها حالا در پخته اند دو دهه فشار و سرکوبی بی امان کمکی برای ایجاد آرامش گورستانی در جامعه و آسودگی خیال روضه خوانها نکرده است و اکنون فشار بیشتر و بگیر و ببند گسترده حالت انفجاری را در جمعیت جوان کشور افزایش می دهد، پس بهتر است فحشها را خورد و شکستن شیشه هارا تحمل کرد و از بگیر و ببند گسترده که نتیجه بی جز افزودن بر خشم مردم ندارد اجتناب کرد. دیگر این که بیان این مطلب که رادیو تلویزیون ضدانقلاب در تشویق جوانان نقش داشته اگر چه می تواند دست آویز خوبی برای سرکوبی باشد اما در عین حال «وهن نظام» را نیز در خود دارد چرا که پذیرفتن این واقعیت است که بعد از ۲۳ حکومت «روحانیت معظم» و اجرای «احکام سلام و اسلامی شدن» همه دستگاهها و نهادهای کشور از جمله رادیو تلویزیون و آموزش و پرورش، اکنون رادیو و تلویزیون «ضد انقلاب» از آن سوی اقیانوسها، قادر است جوانان کشور را علیه نظام و مقدسات آن بشوواند. دیگری از مقامات رژیم علتیهای دیگری را به عنوان بر انگیزاننده اعتراض جوانان بر شمرده اند. از جمله مسجد جامع وزیر ارشاد کمبود شادی را مطرح کرده و گفته است: «شادیها در ایران مطابق زمانه رشد نکرده است». ولی رژیم روضه خوانها مگر حق شاد بودن برای مردم قائل است؟ مگر شادی حتی در جشن عروسی و در چار دیوار و درون خانه ها هم امر منکراتی شمرده

نمی شود، مگر سه چهار سال پیش نبود که در شهرک غرب در تهران ماموران رژیم در یورش به جشن تولدی، جوان ۲۲ ساله مردم را از طبقه هجدهم به پایین پرت کردند و کشتند و در مشهد به یک جشن عروسی ریختند و عروس را به خاطر این که با برادر همسرش همراه تنی چند از بستگانش در حال رقص بود برای شلاق زدن به همراه بردند؟ مگر امام راحل نگفت که ما ملت گریه سیاسی هستیم، مگر آیت الله یوسف صانعی، در زمان جنگ، وقتی دولت می خواست متخصصان ایرانی مقیم خارج را جذب کند (آن هم برای این که بتواند آن طور که میر حسین موسوی نخست وزیر اعلام کرده بود، جنگ را تا انهدام آخرین آجر سالم مانده برای خانه بی ادامه دهد) در نماز جمعه گفت: ایران ایران فکل کرواتیها و مهمانی دادنها نیست ایران ایران تشییع جنازه هاست، مگر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای ولی امر مسلمین و امید مستضعفان جهان آموزش موسیقی را خلاف شرع و ارزشهای نظم ندانست و سبب تعطیلی کلاسهای موسیقی فرهنگسرای بهمن نشد؟ رژیم پلید روضه خوانها جز جنگ جز مرگ جز پایمال کردن حرمت انسان جز به کار گرفتن خشونت در حد توحش علیه شهروندان جز غارت مردم و گسترش فقر و اعتیاد و فحشا، ازمغانی برای مردم ایران نداشته و اگر که به رغم وزیدن این سموم زندگی سوز - که جمهوری اسلامی نام دارد - بر میهن، گاه بوی گل و نسترنی یا ترنم ترانه بی ازو آن سرزمین بر می خیزد به یمن آن روحیه ایستادگی و مبارزه برای حفظ هویت و فرهنگ ملی و ایرانی به شیوه های گوناگون است که این مردم را ازو تند بادهای تاریخ عبور داده است. آن ویژگی ممتازی که هویت مردم این سرزمین را در برابر یورش اجداد خمینی و روضه خوانهای خونخوار حفظ کرد. نسل جوان ازو این دولت ایدئولوژیک مذهبی متنفر است. نسل جوان حاضر نیست نقش امت یا مرید و مقلد را بپذیرد و به اطاعت کور کورانه ازو هیچ «امام» تن دردهند. نسل جوان نمی پذیرد که مقام رهبری سیاسی در جایگاه معصوم یا «تالی معصوم» قرار گیرد و انتقال ازو او ممنوع باشد. نمایشنامه «کنکور وقت ظهور» ازو اسناد مکتوب و شاید بتسوان گفت مانیفست «نسل دوم انقلاب» است در این زمینه. نسل جوان چون مردم و مهینش را تحت سلطه رژیمی به شدت ارتجاعی و ضد مردمی می بیند که در

محیط زیست»»»»» اندیشه ها و چشم اندازها

آبخوانداری

... کریم تقیپور

در محل نگهدارند و حتا جمعیت پذیر شوند. از این طریق، معضل ترک روستا و مهاجرت نیز نوعی راه حل پایه ای پیدا می کند. همین طور با مسأله وخیم گسترش بیابان - که مثلا در ایران بنا به داده های رسمی از سالی یک میلیون هکتار فراتر می رود - به بهترین وجه مقابله می شود. در نتیجه چرخه تولید کشاورزی، مبادله و مصرف، تجدید قوای طبیعی و تولید مضاعف ... به روال عادی برمی گردد.

کشاورزی و دامداری و کل اقتصاد منطقه مربوطه شکوفا می شود. در طرحهای آبخوانداری، سیلابها تبدیل می شوند به منابع مضاعف آب جهت ذخیره در خاک و آبیاری عرصه ها و تغذیه خاکهای خشک و سست. با اجرای این طرحها خاکهای فرسوده تحت پوشش موقت آبی قرار می گیرند، حفظ می شوند و موجودات ذره بینی درونشان (که برای تجزیه و ترکیب بیولوژیک خاک و گیاه ضروری هستند) از نابودی نجات می یابند. در نهایت، با غنی شدن زمین و برخورداری از انرژی و رطوبت لازم برای کشت و زرع، پروسه عادی کشت و برداشت محصول به جریان می افتد. به همین ترتیب، از نابودی مراتع خراب شده و پهنه های جنگلی و خشک شدن کامل تالابها و برکه ها و قناتهای جلوگیری می شود. طرحهای آبخوانداری البته ابتدا سرمایه می برند، نیروی علمی و کارشناسی و طرحهای دقیق و متناسب لازم دارند.

ولی، با توجه به تخریب فزاینده ای که هم اکنون جریان دارد و به خصوص با در نظر گرفتن واقعیت مهیب متروکه شدن روستاها و مهاجرت جمعیت کثیر تولید کننده به شهرها - که هزار و یک مشکل پرخرج بعدی را به وجود می آورد، - در مجموع به لحاظ منطقه ای و ملی در هر حال خیلی صرف دارند. زیرا آبخوانداری در ظرف چند سال نه تنها موجب بقا و دوام حاصلخیزی سرزمینها می شوند، بلکه با اجرای مدیریت مطلوب بسیار سود آورند، مشاغل تازه و عرصه های جدید تولید و مصرف به وجود می آورند و بافت اجتماعی - اقتصادی محل و منطقه را رشد می کنند.

شاید به جا باشد مختصری در باره عملیات اجرایی این طرحها توضیح دهیم. برنامه های عملی آبخوانداری، شامل اقدامات و پروژه های حساب شده و متنوعی است که مبتنی بر شرایط هر منطقه، با مطالعه و بررسی موقعیت

مدیریت متناسب آن نیاز دارد. جواب عبارتست از آبخوانداری. که طرحی است جامع جهت خروج از دورباطل ویرانی محیط زیست، کمبود آب، تخریب سیلابها و نابودی اقتصاد کشاورزی.

اما، منظور از آبخوان و آبخوانداری چیست؟ آبخوان عرصه ای است که در آن تمام روان آب ناشی از بارشهای وارد بر آن از بالا دست به پایین دست منتقل و به داخل رودخانه با آبراهه و یا دریاچه منتهی می گردد. به طور ساده، آبخوانداری طرح علمی حفظ و غنی کردن منابع طبیعی در پهنه آبخوان است، در عین حال هم راهی است ساده، کارآمد و با صرفه جهت مهار سیلابها و ذخیره سازی طبیعی حجم بزرگ آب و بالا بردن ضریب باردهی زمینی در واقع آبخوان یک واحد هیدرولوژیکی است که در دانش مدرن و امروزی توسعه به عنوان یک واحد فیزیکی، بیولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی برای برنامه ریزی و مدیریت کلیه منابع موجود در طبیعت پذیرفته شده است. به عبارت دیگر، آبخوانداری علم مدیریت حوزه های آبخوان است و برنامه ریزی کارشناسی، اجرا و مدیریت پروژه های بهم بسته، حفظ، احیا، توسعه و بهره برداری

بهینه از منابع طبیعی تجدید شونده موجود را در برمی گیرد. آبخوانداری، برخلاف تصور قدیمی و نادرست، فقط برای ذخیره آب یا کاهش رسوبات مخازن سدها صورت نمی گیرد، گرچه این هدفها نیز به خودی خود حاصل می شوند. آبخوانداری از نظر اغلب کارشناسان محیط زیست و منابع طبیعی، مبحث اصلی و ریزبنایی در امر احیا و عمران و توسعه منابع طبیعی و عرصه های کشاورزی است که با پرداختن به آن در قالب مدیریت منابع خاک، آب، گیاه، جانوران و انسان، به صورت فراگیر و پیوسته، نه تنها بحران سیل و خرابی مرتفع می شود بلکه ضمنا حجم عظیمی آب، با کمیت و کیفیت مطلوب، ذخیره می شود و رفته رفته امکان تحول و تعدیل اقلیم خشک نیز فراهم می گردد. در چنین روالی، روستاهایی که در متن آبخوانهای رو به احیای و توسعه قرار دارند، به سرعت از بحران خشکسالی و خرابی و فقدان تولید مکفی نجات می یابند و به لحاظ اقتصادی قادر می شوند جمعیت خود را

در طول دهه های اخیر، روند آلودگی، تخریب و نابودی فزاینده منابع طبیعی (آب، خاک،

جنگل و...) در ممالک موسوم به «جهان سوم» رفته رفته به حد یک بحران عمومی رسیده است. در اغلب این کشورها، فاجعه های زیست محیطی - مانند سیلابهای مهیب، خشکسالی، فرسایش شدید خاکها، ویرانی عرصه های زراعی و مرتعی و جنگلی، و سپس نشدید سیلابها و توفانها و... - به دورتسلسل مصیبت بارملی تبدیل شده و ابعاد خسارتهای نجومی طومار حیات و مملات اقتصاد این کشورها را به هم پیچیده است. در این بین، بیشترین صدمه ها به بخش اقتصاد کشاورزی وارد شده. سرزمینهایی که سابقا صادرکننده مواد اولیه غذایی بودند، اکنون در وضعیت اسفناکی دست و پا می زنند و غلیرغم شمر و شعارهای «ضدامپریالیستی» حکومتهایشان، شدیداً به بازار جهانی غله (علی الخصوص به ایالات متحده آمریکا) محتاجند. عقب ماندگی این کشورها در زمینه حفاظت محیط زیست - که ارتجاع حاکم ابتدا به خصلت اساسی و همه گیر آن بی اعتنا بود و حالا هم غلیرغم اطلاع از مآوقع، کاراساسی نمی کند - این کشورها را دستخوش دینامیس فاجعه ای ظاهرا بی انتها کرده است.

جمعیت هرروز با نرخ بالا افزایش می یابد، در حالی که منابع طبیعی، به مثابه زمین و «سرمایه اولیه» هر نوع اقتصاد کشاورزی، هرروز بیشتر خسران و نابود می شوند. سیر بحرانی فرسایش خاک، جاکن شدن و از دست رفتن ذایمی میلیاردها تن خاکهای فرسوده با وزش باد و جریان آب (به هنگام توفان و بارشهای سنگین و سیلهای مهیب) - ته نشست خروارها رسوب در تاسیسات انتقال آب و دریاچه های پشت سدها، کمبود ذخیره آب، خشکسالی و نابودی محصولات، مهاجرت روستائیان به شهرها و... همه و همه پی آمد زنجیره ای تخریب و فرسایش آبخوانها می باشد. اگر پرسیده شود، آیا اصولا راهی و چاره ای برای بیرون رفتن از این دور فاجعه وجود دارد؟ پاسخ این است که بفرض وجود یک نظام مردمسالار و دموکراتیک، بفرض حضور مسئولیت یافتن مدیریت علمی، بله راه حل مؤثر و شناخته شده و تجربه یافته در دسترس هست. البته، به سیاستگذاری کلان در سطح ملی و سرمایه گذاریمها و

طبیعی، اجتماعی و اقتصادی هر محل به اجرا در می آید: اراضی شیب دار، که بیشتر از جلگه ها در معرض خطر سیلابهای ویرانگر هستند، سکونندی می شوند، احداث بانکت و روشهای مختلف استقرار پوشش گیاهی سریع الرشد در پناه بانکتها و سکوها، نمی گذارند سیلابهای تهاجمی و سنگین به راه افتد. برعکس، حجم عظیم نزولات جمع آوری و به صورت پیش بینی شده تقسیم و پخش می شود. با عملیات نهالکاری و علفه کاری نیز پخش و نگهداری طولانی این آبها صورت می گیرد. با تقسیم حجم سنگین بارشها در زمینهای معین و تغذیه سفره های آبی زیرزمینی، ذخیره و تصفیه آب نیز انجام می شود. علاوه براین، احداث بندهای اصلاحی، حوضچه های ذخیره آب، کمربندهای حفاظتی در اطراف عرصه های تحت برنامه، جنگلکاری انواع زود رشد در زمینهای مربوطه و بالاخره احیای چشمه ها و قنات و چاهها و جاری شدن آب در آبراهه های خشک شده و شیارهای فرسوده و خشکی این نوع اقدامات، جملگی بخشهایی از طرح آبخوانداری به شمار می روند. در واقع، استحصال ریزشهای جوی در محل نزول آنها و یا در اولین مراحل تبدیل به روان آبهای سطحی، با به کارگیری دانش و فنون آبخوانداری، موضوعی است که امروزه در تمام جهان به عنوان راهکار اساسی برای رفع گرسنگی و تشنگی و به عنوان کلید اصلی توسعه اکوسیستمها و بالاخره حفظ محیط زیست و مبارزه با خشکسالی مطرح شده است.

با توجه به تنوع برنامه های فنی و طرحهایی که به حضور صاحبان علوم و فنون کوناگون نیاز دارد، مدیریت واحدهای یک برنامه آبخوانداری و کل پروژه - در سطح محلی، منطقه ای و ملی - طبعاً مستلزم وجود مطالعات جامع و اساسی، برنامه ریزیهای بهینه برای حفاظت، احیای و عمران و توسعه منابع در آبخوانها می باشد. در این میان، وجود برنامه های علمی و رأس کار بودن مدیران اهل فن و کارشناس در امور حفاظت خاک و آب، کنترل و استحصال سیلاب، کاهش رسوبات، جنگلکاری و حفظ مراتع، دامداری، شیلات و پرورش آبزیان و توسعه روستایی، ضرورت دارد. در مجموع حتما باید به سیاست گذاری کلان علمی در امور منابع طبیعی کشور الویت بخشید. آبخوانداری در سطح ملی، به هیچ وجه با دولت آخوندی و مدیریت ایدئولوژیک یا مذهبی جور در نمی آید.

(ادامه دارد)

طرح نو سازی صنایع و گورستان طرحهای نیمه تمام

Mhabibif2002@yahoo.fr

م-حیبی

هنوز وعده طرح تدوین استراتژی صنعتی آن هم بعد از گذشت دو دهه از حاکمیت رژیم آخوندی، جامه عمل به خود ننویشیده بود که این بار وزیر صنایع قول طرح نوسازی صنایع در ایران را داد. شاید گفتار درمانی به صورت یک روش متداول در دولت «اصلاح طلب» امری عادی باشد، ولی وقتی زمان اجرای این طرحها فرا می رسد، بسیاری از این طرحها در بایگانی ناتوانی و بی تفاوتی کارگزاران حکومتی آرشیو می شود. بی گمان طرح ساماندهی اقتصادی دولت خاتمی از پادها نرفته است، حاصل و عملکرد این طرح پر سرو صدا و در عین حال مطبوعاتی چه بود؟

مشکل اصلی در ساخت و بافت اقتصادی ایران، آنهم با یک بدنه قوی تجاری-دلالی، نبود طرح و برنامه نیست. چرا که اگر حتی براساس همین برنامه های اقتصادی عمل می شد اوضاع به صورت کنونی در نمی آمد. مشکل اصلی نبود یک اراده لازم برای فائق آمدن بر این مشکلات است. چرا که بسیاری از این مشکلات وقتی در عرصه عمل می خواهد راه حلی پیدا کند، با منافع رانت خواران وابسته به حاکمیت برخورد می کند، و در همان نقطه ساکن می ماند. طرح نوسازی صنایع در ایران نیز بدون نردید همین سرنوشت را تجربه خواهد کرد.

نکته ای که در اینجا قابل تمیق است این است که، نقطه عزیمت این ایده (طرح نوسازی صنایع) از کجا منشاء می گیرد؟ به عبارت روشنتر آیا تفکر صنعتی کردن در اقتصاد ایران، بر تفکر تجاری-دلالی اقتصاد موحود ایران غالب شده، و از این نقطه کار نوسازی صنایع در دستور کار قرار گرفته است؟ و آیا عناصر سیاسی حاکمیت از نظر تفکر اقتصادی دچار دگرگونی شده؟ جواب بی تردید منفی است. عواملی که چنین طرز تفکری را به حاکمیت تحمیل کرده است را در دو مؤلفه می توان خلاصه کرد:

الف- افزایش جمعیت و وارد شدن نیروی کار جوان

ب- افزایش روزافزون نرخ بیکاری که به صورت تهدیدی جدی رژیم به چالش

می طلبد. در حقیقت این ایده (نوسازی صنایع) ریشه در تحولات و دگرگونیهای دستگاه نظری کارگزاران اقتصادی ایران ندارد، لذا عطف به این مسئله مهم، بستر لازم نیز برای دگرگونیهای اساسی در ساخت و بافت صنعت در ایران نیز وجود ندارد. به عبارت دیگر این فشار عوامل بیرونی است که رژیم را به سمت اتخاذ چنین طرحی پیش می راند، بدون اینکه بستر و مکانیسم های لازم برای اجرای چنین طرحی فراهم شده باشد. وقتی از بستر لازم برای به حرکت درآوردن این طرح صحبت می شود، منظور مکانیسمهایی است که، طرح نوسازی بتواند بروی این ریل حرکت کند. مسئله اصلی در طرح نوسازی صنایع صرفاً به وارد کردن تکنولوژی جدید که عده ای سودجو از آن بهره خواهند برد خلاصه نمی شود. بلکه مجموعه عوامل دیگری که در اقتصاد کلان نقش تعیین کننده ای در اجرای این طرح ایفا می کنند به صورت مکمل لازم و ملزوم یکدیگرند. عواملی نظیر: قوانین مالیاتی، قوانین تامین اجتماعی، مدیریت صنعتی، آموزش نیروی انسانی کارآمد، سیاستهای تجاری، قوانین صادرات و واردات، سیاستهای پژوهشی در بخش صنعت، سرمایه گذاری و ... از آن جمله اند.

نبود چنین مکانیسمی، در بستر اقتصاد دلالی حاکم بر ایران، زمینه را برای چپاول بیشتر زحمت کشان و به ویرانی کشاندن آنچه که تحت عنوان صنعت از آن یاد می شود فراهم می کند. به عنوان مثال پس از تصویب طرح نوسازی صنایع نساجی، تعداد کثیری از کارگران شاغل در این کارخانه ها، تحت عنوان تعدیل نیروی انسانی از کار بیکار می شوند، و حتی برخلاف قوانین مصوب رژیم و فقط زیر نظر هیئت مدیره کارخانه در قبال مبلغ ناچیزی باز خرید می شوند. و کارگران از حداقل مکانیسمهای تامین اجتماعی نیز بی بهره می مانند. در مقابل، بهای زمینهای این کارخانه ها برای ساخت واحدهای مسکونی افزایش می یابد و در اینجا این رانت خواران هستند که بیشترین منافع را از آن خود می کنند. نمونه دیگر صنعت فولاد است. صنعتی که میلیاردها دلار روی آن سرمایه گذاری شده است. در حالیکه انبارهای کارخانه های تولید کننده فولاد مملو از تولیدات محصولات فولادی است فقط در سال گذشته چهار میلیون و دویست هزار تن فولاد بدون هیچگونه مانعی وارد ایران شده است. و این در شرایطی است که تعدادی از

کارخانه های بزرگ تولید کننده فولاد نظیر فولاد خوزستان و فولاد اصفهان و فولاد مبارکه در وضعیت نابسامانی به سر می برند. به طوری که این کارخانه مجبور می شوند محصولات خود را به ارزانترین قیمت ممکن در بازارهای اروپایی به فروش برسانند، که در حال حاضر پرونده این کارخانه ها به دلیل تخطی از قوانین تجاری اتحادیه اروپا در دادگاه در انتظار بررسی است.

صنعت چای نمونه دیگری از عرصه تاخت و تاز رانت خواران است. طی سال گذشته پنجاه هزار تن چای خارجی بدون هیچ مجوزی وارد ایران شده است. و این در حالیست که به گفته رییس سازمان چای ایران هم اکنون ۷۷ هزار تن چای مربوط به سالهای ۷۶ تا ۷۸ و ۱۲ هزار تن مربوط به سال ۷۹ و ۴۶ هزار تن مربوط به تولیدات سال جاری در انبارهای سازمان چای ایران و کارخانجات چایسازی انبار شده است. به بیان دقیق تر با وجود انبار شدن ۱۳۵ هزار تن چای با کیفیت داخلی، راه برای واردات قاچاق چای همچنان باز است. و کسی نیز خود را در قبال وضعیت موجود مسئول احساس نمی کند، و خلاصه اینکه براساس آخرین آمار بانک مرکزی، در مورد تغییرات شاخص بهای تولید کننده، در شهریور ماه سال جاری، شاخص گروه واسطه گیری مالی، نسبت به دوره مشابه سال قبل بیش از ۱۱۰ درصد افزایش نشان می دهد. این بستی است که بخش صنعت باید در چارچوب آن نوسازی شود!!!

طرح نوسازی صنایع که هنوز به مرحله نهایی نرسیده است، در سه فصل تنظیم شده است.

فصل اول به بررسی اوضاع کنونی بخش صنعت می پردازد و ضمن ارائه شاخصهایی مربوط به ارزش افزوده بخشهای مختلف صنعتی و صادرات این بخش مقایسه ای را در بین کشورهای مختلف انجام می دهد. فصل دوم ناظر بر طرح و اهداف و ابعاد سیاستهای نوسازی صنایع است. در این فصل علل غیر رقابتی بودن صنعت را، در عقب ماندگی تکنولوژیکی، مدیریتی و مهارتی منابع انسانی ذکر شده است. از دیگر عوامل این عقب ماندگی تخصیص ارزهای ترجیحی توسط دولت و کمبود سرمایه گذارهای صنعتی عنوان شده است.

فصل سوم طرح نوسازی صنایع، ناظر بر استراتژی طرح نوسازی است که در آن اصلاحاتی در امور مالیاتی، سیاستهای اعتباری، اصلاح ساختار نیروی انسانی و

روابط کار و سیاستهای تجاری و بازرگانی، مشوقهای صادراتی و رفع موانع اداری و توسعه ظرفیتهای تواناییهای مدیریتی و سازماندهی گنجانیده شده است.

همان طور که قبلاً به آن اشاره شد، صرف وارد کردن تکنولوژی جدید در بخش صنعت، حلال مشکلات کهنه این بخش نخواهد بود. شاید بتوان گفت که مهمترین فصل نوسازی صنایع در ایران، بخش نرم افزاری آن است. بخشی که زمینه های قانونی و مدیریتی و در نهایت ساختاری، این دگرگونی را فراهم می کند. دگرگونیهای ساختاری که، تغییرات آن باید نخست در طرز تفکر اقتصادی کارگزاران اقتصادی حاکمیت ایجاد شده باشد، که در مرحله بعد به صورت قانون فرموله شود. زمینه هایی که تاکنون کمترین نشانه ای از تغییرات دیدگاهی حاکمیت در آن دیده نمی شود. حاصل کلام اینکه با وجود چنین بستری نباید در انتظار معجزه بود.

اخبار گوناگون

جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ به ۹ میلیارد ۳۰۰ میلیون نفر خواهد رسید

راديو آزادی ۱۷ آبان: گزارش جدید سازمان ملل حاکمیت که جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ به ۹ میلیارد ۳۰۰ میلیون نفر خواهد رسید، در نتیجه مبارزه علیه فقر و کمبود منابع شدیدتر خواهد شد.

صندوق جمعیت سازمان ملل این گزارش را به عنوان وضعیت جمعیت جهان در سال ۲۰۰۱ دیروز در لندن، پاریس و واشنگتن منتشر نمود و در این گزارش آمده است که بخش اعظم افزایش جمعیت در جهان در حال توسعه خواهد بود که هم اکنون نیز با کمبود آب و مواد غذایی و انرژی مواجه می باشد. جمعیت جهان در حال حاضر ۶ میلیارد و ۱ میلیون نفر است.

اخراج ۳۰۰۰ نفر از کارکنان فلوکس واگن آلمان در برزیل

راديو آلمان ۱۸ آبان: شرکت خودرو سازی فلوکس واگن سازی آلمان ۳۰۰۰ تن از کارکنان این شرکت را در برزیل اخراج می کند. به گزارش شبکه یورونیوز این اقدام در پی کاهش ۲۰ درصدی فروش خودروهای فلوکس واگن در برزیل صورت می گیرد.

زنان و مسیر رهایی

لیلا
usalayla@yahoo.com

اجرای حکم شلاق یک دختر فراری در کرج

روزنامه توسعه اول آبان: حکم شلاق یک دختر به جرم فرار از خانه و داشتن ارتباط نامشروع روز گذشته در اداره مفاسد اجتماعی شهرستان کرج اجرا شد. این دختر به نام نصیبه ۱۷ ساله اواخر اردیبهشت ماه سالجاری پس از فرار از خانه به انجام اعمال غیر اخلاقی روی آورده بود. شعبه ۳۳ دادگستری شهرستان کرج این دختر فراری را به تحمل یکصد ضربه شلاق محکوم کرد.

قاتل زنان خیابانی

تلویزیون رژیم ۲ آبان: قاتل زنان خیابانی مشهد در ملا، عام اعدام می شود. به گفته قاضی پرونده قاتل زنان خیابانی مشهد انشای رای دادگاه سعید حنایی مراحل پایانی خود را می گذراند.

شاعری از کازاو در فستیوال تورنتو

۸ آبان (رویتر) - سال گذشته در فستیوال بین المللی نویسندگان در تورنتو، عکس خانم فلورا برو وینا شاعر، نویسنده، پزشک و مبارز اهل کوزو که در زندان سربو محبوس بود به جای او بر روی صندلی اش قرار داشت. سنت ده ساله انجمن پین کاتادابرای نویسندگان زندانی. اما امسال او با رهائی از زندان ماسویچ در این فستیوال شخصا شرکت کرد و جای او را ماسویچ به جرم جنایت علیه بشریت در زندان گرفت. خانم بروینا که به ۱۲ سال زندان به جرم تروریستی و بنیانگذاری سازمان زنان البانی محکوم شده بود گفت که جرم اول که اختراع خودشان است ولی به جرم دوم خود مفتخر هستیم. او گفت که مردم البانی در دو زندان به سر می بردند یکی زندان ستمگرایانه ماسویچ و دیگری به خاطر تبعیضهای جنسی.

زنان افغانستان در تیمهای ورزشی

۸ آبان (اسوشیتد پرس) - یک تیم ورزشی زنان که از جانب جنبش زنان افغانستان، تحت حمایت اتحاد شمالی، تشکیل شده است در مسابقه های ورزشی زنان مسلمان در ایران شرکت کرد. تیم زنان افغانی دارای ۴۸ ورزشکار در رشته های بدمینتون، والیبال، تنیس، دو، شطرنج، و تکواندو بود. خانم سلما حسینی قهرمان نکواندو گفت که برای شرکت در این مسابقه ها چندین ماه با عبور از راههای سخت و طولانی

و پیمودن جاده های گمراه و کوهها توانسته است خود را به ایران برساند. در هنگام کشایش مسابقه ها زنان ورزشکار افغانی با لباس سیاه به علامت عزاداری و خاموش کردن چراغها و دست داشتن شمع وارد محوطه شدند.

البته باید توجه کرد که همین مسابقه ها در ایران در پشت درهای بسته صورت می گیرد و مرد ها نمی توانند برای تماشای بازی ها حضور داشته باشند.

دارو برای بیماری ایدز

۹ آبان (بخش پزشکی رویتر) - قرار است موضوع اصلی میتینگی که سازمان تجارت جهانی (WTO) هفته آینده در قطر بر گزار می کند، داروهای ارزان قیمت برای درمان یا پیشگیری ایدز در کشورهای فقیر باشد. به این خاطر فعالان حمایت از بهبود تسهیلات درمانی تظاهراتی علیه سیاستهای بوش که جلوگیری از پیشبرد این اقدامات است، ترتیب داده اند. تا به حال آمریکا، کانادا، ژاپن، و سوئیس با آن برنامه مخالفت کرده اند. اما آرتنتیوی ارائه نداده اند.

زنان افغانی در مذاکرات صلح



۹ آبان (اسوشیتد پرس) - در اولین سالگرد تصویب قراردادی در سازمان ملل متحد که دولتها را ملزم به دخالت دادن زنان در مذاکرات صلح می کند، یک زن افغانی از شورای امنیت این سازمان خواست که زنان در تصمیم گیریهای مربوط به صلح دخالت داده شوند. زنان و دختران ۵۴ درصد از جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند. بین سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۰ آنها مقامهای بالای دولتی از جمله پست وزارت رادر اختیار داشتند. خانم حمیله، نماینده یک سازمان مدد کار برای زنان آواره در پاکستان، گفت که زنان افغانی زمانی در این کشور مشاغل چون پزشک، وکیل، و قاضی را به عهده داشتند. او گفت " گمان نبرید که چون دارای پوشش اسلامی هستند صدایشان نباید به جانی برسد."

قوانین مر بوط به خودفروشان

۱۲ آبان (اسوشیتد پرس) - در میتینگی سالانه رؤسای دادگاههای انگلیس، وضعیت قانونی زنان خودفروش مورد اعتراض تعدادی از شرکت کنندگان در جلسه قرار گرفت.

آقای فرینکتین، یکی از دارسان در جلسه گفت خودفروشی در انگلیس غیر قانونی نیست اما به دنبال متقاضی گشتن جرم است. بنا بر این زنان هر روزه دستگیر شده و متحمل پرداخت جرائم گزافی می شوند. او گفت " می توان یا برای جرایم مجازات زندان را در نظر گرفت، یا از روشهایی استفاده کرد که ملاقات دو طرف را بدون ضرر به جامعه سهل تر کند."

ناپدید شدن زنان و دختران، در کرمان

روزنامه توسعه ۱۲ آبان: معاون اجتماعی نیروی انتظامی کرمان خبر رپوده شدن تعداد انگشت شماری دختر و زن در شهر کرمان را تایید کرد. شایعات مربوط به رپوده شدن تعدادی از دختران و زنان شهر کرمان هاله ای از ابهام به وجود آورده و مردم کرمان را نگران کرده است. معاون اجتماعی نیروی انتظامی کرمان می گوید: افرادی که اقدام به این کار نمودند، پس از سرقت کیف پول و جواهرات زنان و دختران اقدام به رهایی آنان در سطح شهر نموده اند.

اتحادیه زنان اردن و سهمیه موقت

امان، " الشرق الاوسط ۱۳ آبان: رئیس اتحادیه کل زنان اردن، نهی المعایطه بر اهمیت تقویت جایگاه زنان در مشارکت سیاسی و گشودن افق در مقابل شرکت آنها در انتخابات مجلس به عنوان نماینده زن یا کاندیدا تاکید کرد. وی در یک گردهم آبی که اتحاد زنان تحت عنوان تقویت نقش و مکان زن در حیات سیاسی آن را برگزار کرده بود گفت ایجاد آگاهی عمومی در مورد ضرورت شرکت سیاسی در بخش زنان باعث تقویت دموکراسی است.

وی خواهان تخصیص سهمیه های موقت شد که به زنان این امکان را بدهد که به پارلمان راه یابند و نقش سیاسی خود به عنوان یک عنصر فعال در رشد سیاسی را به منظور تسریع عمل مدرن سازی اجتماعی و خلق فرهنگ جدید جامعه برای رویارویی

با چالشهای ناشی از جهانی شدن ایفا نماید.

قانون جدید در ترکیه

۱۵ آبان (کریشن ساینس مانتیتور) - پس از ۷۵ سال که از تشکیل دولت سکولار در ترکیه می گذرد، قانون برابری زن و مرد در این کشور اعلام می شود. پس از این دیگر مردها به حساب سر پرست خانواده شمرده نمی شوند و زنها پس از طلاق ناچار به ترک خانه با دست خالی نخواهند شد. طبق قوانین جدید د رهنگام جدائی نیمی از دارایی به زن تعلق می گیرد. با این که سالهاست که زنان این کشور حق رای دارند و ترکیه کشور مسلمانی است که نخست وزیر زن داشته است باز هم اجرای قوانین جدید بسیار سخت خواهد بود و با اعتراضهای بزرگی رو به رو خواهد شد.

زنان در کابل

۲۲ آبان (بی بی سی) - پس از سقوط کابل، اتحاد شمالی اطلاعیه ای صادر کرد که طی آن اعلام کرد زنان افغانی می توانند به سر کارهای خود باز گردند. البته با حفظ موازین اسلامی و احترام به سنتهای افغانی. همچنین اعلام شد که دختران نیز می توانند به مدارس بروند. زنان کابلی پس از به دست افتادن این منطقه با برداشتن پوششها از سر ابراز شادی کردند.

حضور زنان در استادیوم ورزشی ایران

۲۲ آبان - بنا به گزارش ایسنا آخوندهای قم نشین به حضور زنان ایرلندی در استادیوم ورزشی فوتبال معترض گشتند. متعاقب آن "اصلاح طلبان" نیز زنان حمایت کرده و حضور ۳۰۰ زن ایرلندی در استادیوم آزادی را ممنوع اعلام کردند. بی شک ترس رژیم از حضور زنان ایرانی و تکرار خاطره "بد" گذشته در استقبال زنان از بازیکنان فوتبال است.

تجمع ۲۰۰ زن افغانی و برداشتن چادر



۲۰ نوامبر: ۲۰۰ زن افغانی در محلی در کابل جمع شدند و چادر خود را از سر برداشتند. زنان قصد تظاهرات داشتند که نیروهای تسخیر کننده کابل به آنها اجازه تظاهرات ندادند.

ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره‌ی به هزار سال مبارزه فرهنگی

(۲۱)

-- اسماعیل وفا ینمایی

نگاهی گذرا به سلسله های حکومتگر پس از فتح ایران و در طول هزاره دوم میلادی در ایران

نکته ضروری

تا این نقطه در بررسی تاریخ ایران، با هم از خم و پیچ برخی حادثه ها و ماجراها گذشتیم و در تاریکی راهها و گذرگاهها و دهلیزها، چراغ و فانوسی روشن کردیم و برخی از حقایق پنهان در درون تاریخ ایران را مشاهده کردیم. تلاش و کوشش در این سلسله تحقیق و بررسی، از آغاز این بود و هست که هر چه زودتر از حیظه تاریخ به سرزمین فرهنگ و ادب ایران برسیم و در نقاطی که صاحبان ماندگار و اصلی این مرز بوم - مردم ایران - و نمایندگان فکری و فرهنگی و مبارزاتشان - دانشمندان، فیلسوفان، عارفان، شاعران، نویسندگان، هنرمندان مبارزان و مجاهدان و... از جان و روح ایران نگهداری کرده اند، سرگذشت راستین ملت‌ی کهن را مشاهده کنیم. ولی در عالم واقعیت و اگر در پی این باشیم که حقایق تاریخ و ادب را نه به عنوان محفوظات ذهنی و میراثی مرده، بلکه به مثابه چراغ راهنمای حرکت و افزون کردن شناخت و بینش در یابیم، از درک شرایط سیاسی حاکم بر ایران گذشته ناگزیریم. به همین علت پس از اشاراتی مختصر به برخی از جنبشها، گذری اشاره وار و مختصر بر نوعی کروئولوژی، از زاویه خاندانها و دولتهائی که بر ایران پس از اسلام تا این روزگار حکم رانده اند ضروریست. این گذرما را بیشتر با این مقوله آشنا می‌کند که ایران از چه دهلیزهای خونین و تاریکی از حکومتها گذشته و مردم ایران چه تجربیاتی را از سر گذرانده اند. این گذر ما را هر چه بیشتر با ارزش مبارزات فرهنگی و ادبی و تلاشهای فرهنگسازان ایران آشنائی می‌دهد. در همین رابطه بود که در آغاز این سلسله نوشتارها اشاره شد از آنجا که هدف در این نوشته ها ادراک تاریخی و فرهنگی و نور تاباندن بر نقاط تاریک است، از شیوه زمان شکسته یا رفت و برگشت در زمان و تاریخ استفاده می‌شود. یا به کار گرفتن همین شیوه، در پایان این کروئولوژی

فشرده، به عقب باز می‌گردیم و سفر خود را بار دیگر در توالی زمان و تاریخ ایران از سر می‌گیریم.

مقدمه ای بر کروئولوژی

هزاره دوم میلادی با اوجگیری قدرت غزنویان و افسول دیگر حکومتهایی که قبل از غزنویان بر ایران حکم می‌راندند آغاز شد. پیش از غزنویان، طاهریان (۲۰۶ تا ۲۵۹ هجری) به دست صفاریان، علویان - (۲۵۰ تا ۳۱۶ هجری) - به دست سامانیان و با نفوذ دیلمیان و آل زیار از صحنه تاریخ محو شده بودند. کار سلسله صفاریان به دست سامانیان به انجام رسیده بود و عمر سلسله سامانیان با شکست عبدالملک ابن نوح سامانی نهمین پادشاه سامانی از محمود ابن سبکتکین پادشاه غزنوی به پایان رسیده بود.

سلسله های چغانیان، خوارزمشاهان آل عراق، خوارزمشاهان آل مامون، فریونیان، سیمجوریان و شاران غرجهستان که در مشرق ایران، آل باوند، آل قارن و پادوسبانیان که در شمال ایران به موازات سامانیان حکومت داشتند یا از بین رفته و یا در حال زوال بودند اینان حکومتهای محلی بزرگ یا کوچکی بودند که یا در سایه حمایت دولت سامانی و یا به طور مستقل روزگار می‌گذراندند. برخی از این حکومتها به صورت حکومتهای ناحیه ای تا مدت‌ها بعد دوام آوردند. در غرب ایران نیز کار حکومت های کوچک بنی دلف (از ۲۸۵ تا ۳۱۰ هجری در کردستان و گاه تاحدود اصفهان و نهاوند) و بنی ساج (از ۳۷۶ تا ۳۱۹ هجری در آذربایجان و گاه ارمنستان) و حسنویه (از ۳۴۸ تا ۴۰۶ هجری در کردستان و دینور و نهاوند و همدان) حکم می‌راندند به تمام رسیده بود.

از میان سلسله های گذشته هنوز آل زیار و آل بویه بر صحنه تاریخ حضور داشتند و تا انقراض نهائی آنها به دست سلجوقیان و ورود طغرل سلجوقی به بغداد در سال ۴۴۷ هجری مدت زمانی باقی مانده بود ولی واقعیت این است که با آغاز اقتدار ترکان غزنوی دیگر صلابت جنگجویان دیلمی رنگ باخته بود، چنانکه در انتهای دوران آل زیار، منوچهر فرزند قابوس حلقه اطاعت سلطان محمود را در گوش کرد و پسر او انوشیروان، دست نشاند سلجوقیان گردید. با آغاز زوال علویان و آل بویه و آل زیار به دو مسأله دیگر نیز باید توجه کرد، در این سر فصل و تا مدت‌های مدید و در امتداد سلسله های گوناگون

ما با حکومتهای ترکان، ترکان غزنوی، سلجوقی، خوارزمشاهی، و... روبرو هستیم و نیز با قدرت گرفتن حکومت های ترکان که به نخله های مختلف تسنن معتقد بودند، معتقدان به نخله های مختلف تشیع دوباره در حاشیه قرار گرفتند و به تاریخ و روشنی که جایگاه مخالفان و اپوزسیون شورشی بود تغییر مکان دادند و تا دوران صفویه که تشیع رسمی پالیده در خاندان شیخ صفی الدین اردبیلی با کشتارهای وحشیانه و خونین پیروان تسنن، به ضرب شمشیرهای خونریز قزلباشان شیعه و به دستور شاه اسماعیل صفوی به زور تبدیل به آیین رسمی و دولتی گردید و پس از اسلام اموی و عباسی - به قول دکتر علی شریعتی طلایه تشیع صفوی پدیدار شد - در مقاطع مختلف جز قربانیان کشتارهایی که به پهانه الحاد و بد مذهبی انجام می‌گرفت قرار گرفتند. برای داشتن تصویری کلی از قرن چهارم به بعد و تا زمان حاضر گذری هر چند شتابزده و کلی بر نامها و اسامی سلسله های حکومتگر لازم است، ولی از آنجا که اشاره شد که پس از قرن چهارم تا پایان دوران قاجاریه ما با انواع و اقسام حکومت های ترک روبرویم توضیحی کوتاه در این باره روشن کننده برخی نکات است.

ورود ترکان به ایران و تاریخ ایران

در بسیاری از اوقات از کلمه ترک و حکومتگران ترک این گونه برداشت می‌شود که مراد از ترک در تاریخ ایران هموطنان آذری ماهستند که از دیر باز تاریخ ایران از ساکنان و صاحبان ایران بوده اند، ولی واقعیت تاریخی این را نمی‌گوید. حکایت ترکان مورد نظر در تاریخ ایران، از دور دست تاریخ، در سرزمینهایی دور از ایران و از زمانی آغاز می‌شود که در نیمه اول قرن پنجم میلادی یکی از قبایل خیون (هون) به نام آسنا، بر اثر شکست از امپراطور چین به جانب مغرب آمد و به دو دسته تقسیم شد، شاخه ای از این قوم از مغولستان تا اورال را برای اقامت بر گزیدند و دسته ای ای دیگر منطقه ای را که از کوههای آلتایی تا سیحون ادامه داشت برای خود انتخاب کردند. نام دومین دسته دورک - مشتق از نام کوهی که شکل کلاه داشت و کوه دورک نامیده می‌شد - بود، بعدها کلمه دورک به تورک و سرانجام ترک تبدیل شد و ترکان یاد شده در این نواحی سلطنتی تشکیل دادند.

در میان سرزمین ترکان و ایران عهد ساسانی قبایل جنگجوی هفتال زندگی می‌کردند، به همین علت در دوران انوشیروان، (دوران حکومت ۵۳۱ تا ۵۷۹ میلادی) انوشیروان با خاقان ترکان - موکان - متحد شد و هفتالان را شکست داد و سرزمینهای هفتالان میان ایران و خاقان ترک تقسیم شد. پس از این ماجرابرای ادامه اتحاد، انوشیروان دختر خاقان را به همسری اختیار کرد ولی علیرغم این ازدواج سیاسی پس از چندی جنگ میان ایران و خاقان ترک شروع شد.

تا پایان دوران ساسانیان این حکایت ادامه داشت. پس از شروع دوران اسلامی اقوام ترک اسلام آوردند و به صورت اقوام مهاجر با غلام و سپاهی وارد ایران شدند و ایران پس از انبوه مهاجران عرب - که پیش از این اشاره شد - اقامتگاه انبوه مهاجرانی شد که بعدها در تاریخ ایران نقشهایی اساسی پیدا کردند.

نکته مهم در این رابطه این است که عدم توجه اسلام به ملیت و نژاد و اتکا و اعتقاد به امت واحد مسلمان، سد نژادی محکمی را که اشکانیان و ساسانیان در برابر ترکان ایجاد کرده بودند برداشت و اقوام و قبایل ترک - اورال و آلتایی - با پذیرش اسلام به خراسان و ماورالنهر سرازیر شدند و بر اساس واقعیات تاریخی قرن‌ها بلای جان و هستی مردم ایران گردیدند.

در رابطه با نفوذ ترکان در مرکز خلافت، از دوران المعتصم بالله (دوران خلافت از ۲۰۸ تا ۲۲۷ هجری) نفوذ ترکان زیاد شد. مادر خلیفه - مارد - از کنیزان ترک بود و بیش از این، ترس از نفوذ ایرانیان و هواداری آنان از علویان موجب شد که سپاهی متشکل از هجده هزار تن از ترکان نیرومند جنگجو به وجود بیاورد و برای حفظ نژاد آنان و عدم اختلاطشان با اعراب و ایرانیان برای آنها کنیزان ترک مهیا نماید. اینسان که در آغاز به دلیل قدرت بدنی و جنگجویی و خصایص نژادی باعث قدرت دستگاه خلافت شدند و تبدیل به سرداران و امرا در بسیاری از سرزمینهای خلافت گردیدند، پس از مدتی حتی خلفا را تحت سلطه و اقتدار خود قرار داده و بلای جان آنها گشتند. (ادامه دارد)

جنگ و افغانستان

حکمتیار تهدید می کند

خبرگزاری فرانسه ۲۵ مهر: گلبدین حکمتیار، رهبر اپوزیسیون کسه زمانی نیروهای افغان علیه شوروی را رهبری می کرد، به سی.ان.ان گفت: «ما افغانها حمله وحشیانه به رهبری آمریکا و بریتانیا را محکوم می کنیم. این تجاوز وحشیانه به کشوری است که دهها سال است در جنگ و درد غرق شده است.» حکمتیار که یک پشتو است گفت: «اگر نیروهای زمینی آمریکایی وارد افغانستان شوند، من به نیروهای مقاومت افغانستان در داخل کشور خواهم پیوست و علیه آمریکا وارد مبارزه خواهم شد. از اکنون به جرأت می توانم بگویم تاریخ تکرار خواهد شد و نیروهای آمریکایی به سرنوشت سربازان روسی گرفتار خواهند شد.»

تصویب لایحه ضد تروریسم در سنای آمریکا

رادیو آمریکا ۴ آبان: سنای آمریکا بنا تصویب لایحه ضد تروریست راه را برای توشیح این لایحه به وسیله پریزیدنت پوش هموار کرد. این لایحه که قبلا به تصویب مجلس نمایندگان آمریکا رسیده بود، دیروز با اکثریت چشمگیر یعنی ۹۸ رأی موافق در برابر یک رأی مخالف در سنا به تصویب رسید. لایحه جدید که امروز با امضای پریزیدنت پوش به صورت قانون درمی آید، به مقامات آمریکا اختیاراتی گسترده تر برای مبارزه با تروریسم می دهد. اتخاذ تدابیر جدید برای حفاظت از مرزها، استراق سمع مکالمات تلفنی، ارتباطهای اینترنتی و تجسس و تفتیش خانه ها برای یافتن افراد مظنون به دست داشتن در فعالیتهای تروریستی از جمله این اختیارات است. جان اشکراف وزیر دادگستری آمریکا می گوید اختیارات تازه را بلافاصله به مرحله اجرا خواهد گذاشت.

اتلاف شمال: حکمتیار به افغانستان باز نخواهد گشت

خبرگزاری فرانسه ۷ آبان: یک مقام ارشد ائتلاف شمال به خبرگزاری فرانسه گفت: «ز دولت ایران تضمینهایی دریافت کرده است که اجازه نخواهد داد گلبدین حکمتیار فرمانده جنگی بدنام به افغانستان برگردد.» عبدالله عبدالله در روز یکشنبه به خبرگزاری فرانسه گفت: «نفراتی در ایران هستند که می فهمند او نباید برگردد.» وی در پاسخ به این سؤال که آیا او این تضمین را از ایران دریافت کرده است که به حکمتیار این سخت سر اسلامی اجازه نخواهند داد تا به دنیای سیاست افغانستان برگردد، او

سرس را تکان داد و گفت، بده حکمتیار به دلیل موشک باران بی امان شهر کابل در سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ بدنامی زیادی کسب کرده است.

خامنه ای دیالوگ ایران و آمریکا را ممنوع اعلام کرد

خبرگزاری فرانسه ۸ آبان: آیت الله علی خامنه ای گفت: هر نوع تماس و یا دیالوگ "با آمریکا را برای" حفظ منافع ملی ایرانها "ممنوع اعلام کرد. او که برای "ملتزم بودن و استمرار" شعار سنتی "مرگ بر آمریکا" فراخوان می داد، گفت: «امریکائیان مردم افغان را قربانی کرده اند.»

خامنه ای به جمعیت چند هزار نفری امامهای جمعه مساجد در شهر اصفهان گفت: «رژیم اسلامی کلیه انواع دیالوگ و هر نوع رابطه با آمریکا بر ملاحظه داشتن منافع ملی دشمن رد می کند.» موضع سرسخت او به دنبال فراخوانهای جدید، به ویژه از جانب اعضای رفرمیست مجلس برای تجدید دیالوگ بین تهران و واشنگتن، می باشد.

خامنه ای در حالی که واشنگتن را متهم می کرد: «به دنبال درگیر کردن ایران در جنگ علیه افغانستان است»، گفت: «انهایی که نیاز به مذاکره با آمریکا را دنبال می کنند خام خیالی می کنند.» او گفت: «مقامهای نظام باید روباز به دنیا بگویند: ما علیه تروریسم و حمله آمریکا علیه افغانستان هستیم.» هفته گذشته پریزیدنت محمد خاتمی همچنین هر نوع عادی سازی رابطه با واشنگتن را ممنوع اعلام کرد و گزارشهای مبنی بر تماسهای "سری" با آمریکا بعد از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر را تکذیب نمود. خاتمی خطاب به مجلس گفت: «هیچ بهبود رابطه جدیدی بین تهران و ایالات متحده وجود ندارد و موضع ما نسبت به این کشور همانکه بوده است، باقی مانده است.»

۲۲ گروه دیگری به فهرست گروههای تروریستی آمریکا افزوده شد

خبرگزاری ایسنا ۱۲ آبان: ایالات متحده آمریکا روز گذشته (جمعه) ۲۲ گروه دیگر از جمله حماس، حزب الله، هشت سازمان عربی، سه گروه کلمیبایی، ارتش آزادی بخش ایرلند (ریرا) و گروه جدایی طلبان باسک (اتا) را در فهرست گروههای تروریستی اعلام کرد. به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری رویتر، بر اساس مصوبات اخیر کنگره آمریکا اموال و داراییهای گروهها و سازمانهایی که در فهرست گروههای تروریستی قرار می گیرند تحت کنترل خواهد بود. قوانین جدید شامل تمامی ۲۸ گروهی که از جانب واشنگتن در فهرست سازمانهای تروریستی خارجی

قرار گرفته اند، خواهد شد. همچنین قانونگذاران آمریکایی و رهبران رژیم صهیونیستی خواستار محدودیتهای شدیدتر بر گروههایی نظیر حماس، حزب الله، جهاد اسلامی، و گروه جبهه خلق برای آزادی فلسطین شده اند. ریچارد بوچر، سخنگوی وزارت امور خارجه می گوید: باید تمامی سازمانهای تروریستی خارجی تحت یک سری قوانین یک شکل قرار گیرند. وی در ادامه می افزاید: قوانین اجرایی جدید به دولتمردان اجازه می دهد که علیه گروههای تروریستی آزادانه تر عمل کنند.

طالبان سقوط شهر مزار شریف را تأیید کرد

خبرگزاری فرانسه ۱۹ آبان: روز شنبه یک سخنگوی رسمی طالبان سقوط شهر کلیدی مزار شریف و شهر مجاور آن به نام حیراتان را تأیید کرد. عبدال خان همت رئیس خبرگزاری باختر به خبرگزاری فرانسه گفت، که طالبان جمعه شب از مزار شریف خارج شده است. او گفت: «ما شب گذشته از مزار شریف خارج شدیم تا از تلفات غیر نظامی و تلفات نیروهای خودمان جلوگیری کنیم.» همت گفت، طالبان همچنین از شهر حیراتان، یک شهر بندری در نزدیکی یک رودخانه کلیدی در مرز ازبکستان خارج شده است. او گفت: «ما تویخانه مان را از مزار شریف به یک مکان امن منتقل کردیم. ما تصمیم گرفتیم قبل از حمله شدید اپوزیسیون، شهر را تخلیه کنیم.»

توافق کنسورهای ۲+۶

تلویزیون سی.ان.ان ۲۰ آبان: گروه شش به علاوه ۲ (شش همسایه افغانستان یعنی ایران، پاکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، چین و نیز آمریکا و روسیه) بر سر این که دولت آینده افغانستان باید فراجاگیر باشد و همه تنوعات قومی آن کشور را شاملش شود به توافق رسیدند. مقامات این گروه امروز در نیویورک به رایزنی پرداختند.

کشته شدن سه روزنامه نگار

رادیو بی بی سی ۲۱ آبان: دو روزنامه نگار فرانسوی و یک روزنامه نگار آلمانی در جریان حمله غافلگیرانه نیروهای طالبان به کامیونهای حامل نیروهای مخالفین کشته شدند. خبرنگاران مقتول از جمله کسانی بودند که با یک خودروی تقریباً زرهی با نیروهای ائتلاف شمال در خط مقدم جبهه در نزدیکی مرز با تاجیکستان سفر می کردند. یک روزنامه نگار آمریکایی نیز در این جریان زخمی شده است.

اپوزیسیون افغان هرات را تسخیر می کند

خبرگزاری فرانسه ۲۱ آبان: مهندس نوریالیا، سخنگو به خبرگزاری فرانسه گفت، اسماعیل خان فرمانده اپوزیسیون در روز دوشنبه بعد از یک قیام مردمی علیه شبه نظامیان طالبان حاکم، هرات، شهر غربی افغان را تسخیر کرد. او گفت: «مردم علیه طالبان قیام کرده اند و آنها کنترل شهر را در دست گرفته اند و حالا مجاهدین که در کوههای اطراف بودند، به شهر رسیده اند.»

طالبان از شهر گریخته است

خبرگزاری فرانسه ۲۲ آبان: نیروهای وابسته طالبان از شهر گریخته اند. ساکنین شهر به خبرنگار خبرگزاری فرانسه گفتند: «طالبانها رفته اند.» هیچ نیروی طالبان در شهر دیده نمی شد، تعدادی هم که مانده بودند، توسط نیروهای اپوزیسیون به اسارت گرفته شده بودند. تعدادی از اجساد طالبانها هم در خیابانها دیده می شد که در اثر بمباران هواپیماهای آمریکایی کشته شده بودند.

نیروهای اپوزیسیون وارد کابل شدند

تلویزیون سی.ان.ان ۲۲ آبان: بنا به گزارش اپوزیسیون، نیروهای اپوزیسیون وارد کابل شدند. بنا به گفته شاهدین، نزدیک به ۵۰، ۶۰ نفر از نفرات اپوزیسیون شمال سوار بر جیب وارد شهر کابل گردیدند. آنها مسلح به کلاشینکف و موشک اندازهای دستی بودند گروههای کوچکی از مردم کابل در خیابانها صف کشیده بودند و از نیروهای اپوزیسیون استقبال کردند. هیچ نیروی طالبان در خیابانها دیده نشده است.

قطعنامه شورای امنیت در مورد افغانستان

تلویزیون رژیم ۲۴ آبان: شورای امنیت سازمان ملل به اتفاق آرا به قطعنامه سازمان ملل در مورد تلاشهای این سازمان برای استقرار یک دولت موقت در افغانستان رأی مثبت داد. و به این ترتیب راه را برای استقرار یک نیروی امنیتی چند ملیتی در این کشور گشود. به گزارش خبرگزاری فرانسه شورای امنیت از نیروهای ائتلاف شمال و کلیه جناحهای افغان خواست هرچه زودتر و بدون هیچ پیش شرطی شرکت در کنفرانسی که سازمان ملل برگزار خواهد کرد را بپذیرند. رأی شورای امنیت به قطعنامه بی بی سی که فرانسه و انگلیس ارائه کرده بودند در حضور کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل صورت گرفت.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهائمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

۷۵ فرانک فرانسه

۱۸ دلار آمریکا

۷ فرانک فرانسه

اروپا

آمریکا و کانادا

تک شماره

آدرس نبرد خلق

در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E.Mail:nabard@iran-nabard.com

جنگ خبر

www.jonge-khabar.com

اخبار روزانه در جنگ خبر مطالعه کنید

جنگ صدا

اخبار و تفسیر خبری و سیاسی رویدادهای هر هفته
را بر روی شبکه اینترنت گوش کنید

http://www.jonge-seda.com

گردهمائی بر علیه جنگ در کشور سوئد

گردهمائی در شهر بریس واقع در کشور سوئد، برای همدردی با مردم افغانستان و مخالفت با امپریالیسم و تروریسم در دفاع از صلح و عدالت برای تمام مردم جهان، روز شنبه ۱۳ اکتبر، از طرف سندیکالیستها، انجمن صلح، حزب سبزها، حزب چپ سوئد در پارلمان، حزب جوانان کمونیست انقلابی، حزب چپ خارج از پارلمان برگزار شد. در روی پلاکاردهائی که مردم از ملیتهای مختلف در دست داشتند شعارهائی از این قبیل دیده می شد، انتقام نه، تروریست نه، امپریالیست نه، صلح برای جهان و.....

فعالان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز در این گردهمائی شرکت کرد و ضمن آشنائی مردم با اهداف این سازمان، فراخوان برای صلح را بین مردم توزیع کرده تا زیر اثر امضا کنند و به آدرسهای سازمانهای حقوق بشری ذکر شده، ارسال نمایند. گروهی از مردم مشتاقانه از این حرکت بشردوستانه استقبال کرده و اطلاعیه را امضا کردند.

آناهیتا - الف

از میان مطالب رسیده

بهای سیاستهای آمریکا را مردم افغانستان می پردازند

-- سعید شجاعی

حملات هوایی و بمباران افغانستان از هشتم اکتبر شروع شده و همچنان ادامه دارد. ادعای آمریکائیکها مبنی بر وجود ماهوارههایی که قادر به شناسایی اشیا تا به اندازه یک توپ بیسبال و ادعای مبارزه با تروریسم و شبکه القاعده و حکومت طالبان جز مزخرف و چرت و پرت چیز دیگری نیست. گروه اسامه بن لادن و افراد طالبان جدا از مردم و در مناطق مخصوص زندگی نمی کند، هر بمبی که به قصد آنها فرود می آید به همراه آنها مردم بی گناه را به خاک و خون می کشد. تلویزیون آلمان تصاویری از مسلح شدن کودکان به وسیله طالبان نشان می داد یعنی کودکان بی گناه در کنار بزرگسالان طالبان.

آمریکا، بعد از اعلام سازمان ملل مبنی بر کشته شدن ۴ نفر از افرادش، به ناچار اقرار به اشتباه در محاسبات کرده و فرود موشک در یک منطقه مسکونی کابل را تایید می کند. این اقرار فقط مستی از خروار است. تراژدی کمدی تر این که آمریکا برای مردم افغانستان مواد غذایی هم می فرستد. مردم افغانستان نمی دانند وقتی هواپیماهای آمریکایی را بر فراز سر خود می بینند منتظر بمب باشند یا مواد غذایی.

جنگ پاسخ ترور نیست. رورگویی و جنگ نابرابر تروریسم را تولید کرده و تداوم می بخشد. هدف آمریکا و همین طور یاور همیشگی اش انگلیس از این تهاجمات نظامی مبارزه با تروریسم نیست. این ادعا کاملاً پوچ و بی اساس است چرا که آنها خودشان بزرگترین حاکمان تروریسم اسرائیل علیه دولت و مردم فلسطین هستند.

آمریکا در افغانستان چه می خواهد؟ لیست ۲۲ نفری از تروریستهای خطرناک منتشر می کند که همگی از توابع کشورهای غربی هستند تقاص آنها را چرا مردم افغانستان باید پس بدهند. اسامه بن لادن دست پرورده خود آمریکاست که امروز سر به طغیان گذاشته است. گناه مردم افغانستان چیست؟ آیا آمریکا در خاک افغانستان به دنبال تروریستها و مجازات آنهاست یا این که قصد دارد نوکران و جیره بگیران دیروز را که تاریخ مصرفشان تمام شده و کارایی مورد نظر آمریکا را ندارند با نوکران و دست نشاندههای جدید عوض کند. جرج بوش و همپالگیهایش نه تنها برای مردم افغانستان دلشان نمی سوزد و نگران نمی شوند آنها برای مردم آمریکا، آنها که در انفجارها و زیر آوارها جان دادند هم کشتان نمی گزد.

جرج بوش کابویی با نطق آتشی خودش میل دارد جهان را به دو قطب متمدن و عقب مانده تقسیم کند و در این تقسیم بندی همه آنها که با آمریکا هستند متمدن و ضد تروریست هستند و بقیه مساوی اسامه بن لادن و طالبان. و خیلی زیاد هم میل دارد آن قطب آگاه و رو به رشد «ضد سرمایه داری» فراموش شود. آن نیرویی که ریشه های امپریالیسم را خواهد خشکاند و به موازات آن ریشه های تحجر و عقب ماندگی فرهنگی را.

حقیقت از چشم مردم آگاه و آزادیخواه پنهان نمی ماند. آمریکا در این حملات هدفهای سیاسی و اقتصادی را دنبال می کند در این آب گل آلود آمریکا حضور خود را در منطقه نشان می دهد و تداوم این حضور را با توجهات مبارزه با تروریسم ضروری نشان می دهد. از خاک افغانستان به وسیله حکومتی که روی کار خواهد آورد برای ارتباط با آسیای میانه استفاده خواهد کرد و مهمتر از همه اینها از طریق سیستم امنیتی و پلیسی که به بهانه پیشگیری از ترور در پیش گرفته با تاخت و تاز و نفوذ به حریم خصوصی افراد، با کنترل نامه ها و تلفن ها، فعالان سیاسی و سازمان دهندگان اجتماعات ضد سرمایه داری را زیر ذربین قرار داده، شناسایی و کنترل می کند.

بهای سیاستهای امپریالیسم آمریکا را سررده افغانستان می پردازند. با وجود حمایت همه جنبه دولتهای بزرگ سرمایه داری از آمریکا، وجدان بینار مردم با همه نرفتهائی که از بنیادگرایان اسلامی دارند به خواب نمی رود. جنک و تهاجم نظامی مبارزه با تروریسم نیست به خاک و خون کشیدن مردم بی گناه و بی دفاع افغانستان است آوارگی و دربزدی برای مردم افغانستان. باید به هر طریق ممکن برای توقف این جنک کوشش کنیم.

مقررات استفاده از شبکه های

اطلاع رسانی رایانه ای

تلویزیون رژیم ۱۶ آبان: شورای عالی انقلاب فرهنگی مقررات استفاده از شبکه های اطلاع رسانی رایانه ای را تصویب کرد. براساس این مصوبه ایجاد نقطه تماس بین المللی بی اس پی در انحصار دولت است و واگذاری مجوز به دستگاهها تنها از طریق شورای عالی اطلاع رسانی صورت خواهد گرفت. براساس تصمیم شورای عالی انقلاب فرهنگی هر دستگاه اجرایی که مجوز برقراری تماس بین المللی را اخذ می کند، صرفاً مجاز به ارائه خدمات در محدوده وظایف قانونی خود خواهد بود ضمن آن که شرکتهای خصوصی که نقطه تماس بین المللی ایجاد کرده اند طرف مدت شش ماه پس از ابلاغ این مصوبه نام باید در مورد جمع آوری تاسیسات و واگذاری به بخش های دولتی اقدام کنند. شورای عالی انقلاب فرهنگی همچنین اعلام کرد: دفاتر خدمات حضوری اینترنت از این پس مشمول قانون نظام صنفی هستند و از تاریخ تصویب این مصوبه نام باید حداکثر ظرف دو ماه برای گرفتن مجوز اقدام کنند. در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی همچنین این نامه اتحادیه تشکلهای اسلامی دانشگاهیان به تصویب رسید.

با تشکر از دوستان، دریافت شد

- دو ترجمه با عنوانهای «یک حکومت "سرخ" در جنوب برزیل» و «نقش کلیسا در جنبش دهقانان برزیل»، طرف ب. محله
- نیال آستن قیام توده ای از اسد طاهری
- بیسوادی در ایران، شهناز بیات
- یک نامه از ه. بلژیک همراه با هزینه اشتراک
- هزینه اشتراک استارباگ از هلند
- هزینه اشتراک کوروش، دانمارک
- هزینه اشتراک بیکوند، آلمان
- هزینه اشتراک کفایت، آلمان

NABARD - E - KHALGH

No : 198 22. November . 2001 / Price: \$ 1 - 2 DM - 7 Fr

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: USA / 1- 703 904 78 10 / Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / Postbus 593 / 6700 AN-Wageningen / HOLLAND

NABARD / P.O Box / London N7 / 7HX - ENGLAND

NABARD / Postfach 102001 / 50460 Köln / GERMANY

NABARD / P.O Box , 710631 / Herndon, VA / 20171 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

Name of Bank... SOCIETE GENERALE / Address: Boulogne - S - Seine / FRANCE

Bank Code: 30003 / Post Code: 03760 / Account No: 00050097851 / Beneficent Name: Mme. Talat R.T

تظاهرات ایرانیان مقیم آمریکا علیه حضور خاتمی در مقر ملل متحد

شهادت فدایی آذر ماه

رفقای فدایی: همایون پریزاده - قربی حسنی - رحمت طالب نژاد - اسدالله بشر دوست - پرویز نصیر مسلم - ابوالقاسم نیکنجه همدانی - علیرضا بهاریبور - علی عبدالعلی زاده - محمدرضا شهناز - غلامرضا کاروردیان چایچی - حمیدرضا سعادت - مختار قلعه ویسی - احمد اقدسی - بهروز بهروزنیا - حسین تدریسی - فرهود روانی - محسن مدیر شانه چی - فریدون شافی - زهرا آقایی قلمچی - علیرضا شهاب رضوی - ماهرخ فیال - مینا رفیعی - محمدعلی پاپویار - مسعود صامی - جلال دهقان - رحیم تشکری - حسن زکی زاده - وحید پیروزنیا به دست دژخیمان رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

اصغر ادیبی از اعضای شورا سخنرانی کردند.

در قطعنامه تظاهرات آمده است: ما به رهبران جهان در مجمع عمومی می گوئیم، سردمداران رژیم نامشروع آخوندی جز به زبان سرکوب سخن نمی گویند و هرگز مردم ایران را نمایندگی نمی کنند. نمایندگان این رژیم باید از ملل متحد اخراج و کرسیهای ایران به شورای ملی مقاومت که مورد حمایت اکثریت مردم ایران می باشند واگذار گردد.

دیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۱۹ آبان ۱۳۸۰

قتل دو زندانی سیاسی کرد در سنندج در زیر شکنجه

رادیو صدای کردستان ایران - ۲۰ آبان ۱۳۸۰، در روزهای اوایل آبان ماه، دو نفر از زندانیان سیاسی کرد در زیر شکنجه مزدوران جنایتکار رژیم جان خود را از دست داده اند. این دو نفر عبارتند از:

۱- محمد امین محمدی فرزند عطا، اهل شهر سنندج که در زندان شهر همدان زندانی بود.

۲- تیمور اصلانی فرزند سیف الله اهل شهر سنندج که او نیز در دادگاه انقلاب اسلامی رژیم در زیر شکنجه جان خود را از دست داده است.

بدون تردید این دو جوان کرد، کوتاه نیامده و حاضر نشدند که شرف و کرامت خود را به دشمن بفروشند به همین دلیل این چنین شکنجه شده و جان خود را از دست دادند.

از صدای کردستان ایران ضمن محکوم کردن این جنایت جدید مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، تسلیم خود را به خانواده آنها تقدیم می داریم و این واقعیت را نیز تکرار می کنیم که این خونها هدر نخواهند رفت و سرانجام درخت به خون آبیاری شده آزادی، به ثمر خواهد رسید.

زنان در ملا عام، سنگسار و قطع دست، گوشه ای از جنایات روزمره رژیم آخوندی در ایران را به نمایش گذاشتند. خانم مؤگنان پارسایی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران در پیامی به تظاهر کنندگان با اشاره به بیلان جنایات خاتمی و رژیم آخوندی در زمینه سرکوب داخلی و صدور تروریسم، تأکید کرد: مردم و مقاومت رژیم غاصب آخوندی را با تمامی باندها و دسته هایش سرنگون و آزادی و حاکمیت مردم را به هر قیمت در ایران زمین برقرار خواهند نمود.

شماری از نمایندگان کنگره آمریکا از جمله خانم رزلهنتین و آقایان اد تاوینز و نیسی کلی در نامه هایی خطاب به خانم مریم رجوی رییس جمهور برگزیده مقاومت، حضور خاتمی در ملل متحد را محکوم کردند. در نامه حسامه رزلهنتین که در تظاهرات قرائت شد آمده است من قویا از جنبش شما برای دموکراسی و حقوق بشر حمایت می کنم. من معتقدم که خاتمی و ملایان حاکم بر ایران نماینده مردم ایران نیستند من به هموطنان شما در اینجا می پیوندم تا به ملل متحد بگویم حضور رهبر رژیمی که صدها هزار زندانی سیاسی را اعدام کرده و از اعمال متعدد تروریستی در سراسر جهان که جان شهروندان بیگناه را گرفته حمایت می کند، در مغایرت کامل با منشور ملل متحد می باشد. همچنین پیام حمایت شمار دیگری از نمایندگان کنگره از جمله آقای جیمز ترافیکنگ، باب فیلتز و تاد ایکین قرائت شد.

در این تظاهرات آقایان مسلم اسکندر فیلابی رییس کمیسیون ورزش، علیرضا جعفر زاده از نمایندگی شورای ملی مقاومت در آمریکا، پرویز خزایی نماینده شورا در کشورهای نوردیک،

ایرانیان مقیم آمریکا امروز به دعوت نمایندگی شورای ملی مقاومت در آمریکا، در اعتراض به حضور آخوند خاتمی در مجمع عمومی ملل متحد دست به تظاهرات با شکوهی در خیابان مدیسون نیویورک در نزدیکی مقر ملل متحد زدند و خواستار محاکمه سردمداران دیکتاتوری تروریستی و مذهبی آخوندی به مثابه مجرمین علیه بشریت شدند.

ایرانیان که از ایالتهای مختلف آمریکا گرد آمده بودند، خواستار محاکمه خاتمی و دیگر سردمداران رژیم آخوندی در دادگاه بین المللی به خاطر جنایات رژیم آخوندی علیه بشریت، از جمله صدها عمل تروریستی در خارج ایران طی دو دهه اخیر که هزاران کشته به جای گذاشته است، گردیدند. آنها تأکید کردند که شرکت آخوند خاتمی در اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در حالی که تا امروز ۴۸ قطعنامه این مجمع و کمیسیون حقوق بشر ملل متحد جنایات رژیم ملایان را محکوم کرده اند، اهانتی آشکارانه تنها به ملت ایران بلکه به وجدان بیدار بشریت است.

غریو شعارهای مرگ بر خامنه ای، مرگ بر خاتمی، درود بر رجوی، و خاتمی تروریست را از سازمان ملل اخراج کنید، پاسخ بمب و موشک خاتمی با ارتش آزادیبخش ملی و مریم رجوی رئیس جمهور ایران تا فاصله زیادی به گوش می رسید. روی یکی از پلاکاردها نوشته شده بود: کارنامه خاتمی: ۱۰۰۰ اعدام، ۱۹ سنگسار، چشم در آوردن از حدقه، قطع دست، سرکوب خونین تظاهرات مردمی و دانشجویی، دستگیری و شکنجه افراد نوجوانان، اعدام زنان در ملا عام. جمعیت با حمل عکسهای بزرگ از صحنه های هولناکی مانند حلق آویز

در اعتراض به وضعیت

زندانیهای ترکیه

رادیو آمریکا ۱۵ آبان: درحالی که پلیس ترکیه روز دوشنبه به چند خانه در استانبول هجوم آورد، تا کسانی که در اعتراض به وضعیت زندانیهای ترکیه دست به اعتصاب غذا زده اند، به شکستن روزه سیاسی خود و پذیرش معالجه در بیمارستانها وادارد. این از مبارزان کرد به عنف دست زدن به اعتصاب غذا جان سپردند. پلیس می گوید این انفور پس از آتش زدن خود و خانه های خویش در اثر سوختگی جان سپردند. اما یکی از بزرگسالان مبارزان می گوید: هنوز روشن نیست که واقعا چه کسانی خانه های فعالان سیاسی را به آتش کشیدند. علاوه بر این میگوید حداقل یکی از مبارزان با کلوله پلیس کشته شده است. ظرف یک سال گذشته در ترکیه بیش از ۴۰ انفراز کسانی که به نشانی اعتراض به وضعیت نامطلوب زندانیها به اعتصاب غذا دست زدند جان سپردند.